

Changes of Poshtkouh Boundary in the Qajar Era

Alireza Asadi*

Kaivan Shafei**, Seyed Mohammad Sheikh Ahmadi***

Abstract

The Poshtkouh region was considered a strategic area in the western boundaries of Iran, and the Feyli governors who had ruled Pishkouh and Poshtkouh in Lorestan as local governors since the Safavid Dynasty were selected by the central government to rule the region. The present study aimed to investigate the following question: what were the changes occurring on the western boundaries of Iran in Poshtkouh during the Qajar era?

The study employed a descriptive-analytical methodology by relying on historical documents and maps and library resources, and the findings showed that the Poshtkouh region in the western boundaries of Iran witnessed relative changes in the Qajar Era due to the presence of strategic areas like the Seifi and Malkhatavi lands, border rivers like Konjancham, Gavi, and Changouleh, the Baghsaei region, and the salt mines of Poshtkouh. In this period, the Poshtkouh region did not suffer changes due to the military strength of its governors and the effective presence of the Tribes and clans of the region, and its geographical domain included parts of the Jassan, Badra, Zurbatiyah, and Tursaq in the Ottoman land.

Keywords: Poshtkouh, Western Boundaries, Feyli Governors, Qajar.

* PhD Candidate in Post-Islamic Iranian History, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, alireza.asadi1359@gmail.com.

** Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran (Corresponding Author), k.shafei@iausdj.ac.ir.

*** Assistant Professor, Department of History, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran, m.sheikhahmadi@gmail.com.

Date received: 2022/08/23, Date of acceptance: 2022/12/15



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار

علیرضا اسدی*

کیوان شافعی**، سیدمحمد شیخ‌احمدی***

چکیده

منطقه پشت‌کوه از مناطق استراتژیکی ایران در مرزهای غربی محسوب می‌شد و والیان فیلی، یکی از حکومت‌های محلی ایران که از دوره صفویه به بعد در لرستان پیش‌کوه و پشت‌کوه حکمرانی داشتند، در عصر قاجار از سوی حکومت مرکزی بر آن حکمرانی می‌کردند. این پژوهش در پی یافتن پاسخ این پرسش است که تحولات مرزهای غربی ایران در سرحد پشت‌کوه و در عصر قاجار به چه صورت بوده است؟

یافته‌های این پژوهش، که با روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر اسناد و نقشه‌های تاریخی و منابع کتاب‌خانه‌ای انجام شد، نشان‌دهنده این امر بود که در عصر قاجار سرحد پشت‌کوه، واقع در مرزهای غربی ایران، به واسطه وجود مناطق استراتژیکی از قبیل اراضی صیفی و ملخطای، رودهای مرزی گنجانچم، گاوی، و چنگوله، و منطقه باغسائی و معادن نمک پشت‌کوه شاهد تغییر و تحولات نسبی بوده است. در این دوره منطقه پشت‌کوه به واسطه قدرت نظامی والیان آن و حضور مؤثر ایلات و طوایف این منطقه نه تنها بدون تغییر باقی ماند، بلکه قلمرو جغرافیایی ایران بخشی از محال جسان، بدره، ژرباطیه، و ترساق در خاک عثمانی را در بر می‌گرفت.

کلیدواژه‌ها: پشت‌کوه، مرزهای غربی، والیان فیلی، قاجار، عثمانی.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، alireza.asadi1359@gmail.com

** استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)
k.shafei@iausdj.ac.ir

*** استادیار گروه تاریخ، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران، m.sheikhahmadi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۴



۱. مقدمه

مرز یا سرحد و نواحی مرزی آن همواره برای حکومت‌ها بااهمیت بوده است و ثبات آن ارتباطی مستقیم با عمر آن‌ها داشته است. منطقه پشت‌کوه به‌علت نزدیکی به عتبات عالیات، وجود زمین‌های حاصل‌خیز، معادن نمک، و رودهای پُرآب مرزی در مجاورت مرزهای عثمانی برای سیاست‌مداران قاجار حائز اهمیت بود. والیان پشت‌کوه همواره روابط دوستانه‌ای با حکومت مرکزی در عصر قاجار داشتند. آن‌ها علاوه‌بر اخذ مالیات حوزه پشت‌کوه که در تقویت و بازسازی تجهیزات نظامی سپاه ایران استفاده می‌شد، با بهره‌گیری از نیروهای عشایری قلمرو خود، حفاظت از مرزهای سرحد پشت‌کوه را برعهده داشتند.

درباره پیشینه تحقیق حاضر، یعنی «تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار»، تحقیق جامع و مستقلى صورت نگرفته است؛ البته درباره این پژوهش اسناد و مطالبی در لابه‌لای منابع تاریخی و جغرافیایی دست اول و ثانویه وجود دارد و مطالعاتی نیز درباره خاندان والیان فیلی و منطقه پشت‌کوه صورت گرفته است. در برخی از تحقیقات همانند «بررسی اسنادی کشمکش‌های والیان پشت‌کوه (ایلام) با حکومت عثمانی بر سر معادن نمک (۱۲۵۵-۱۳۴۷ ق / ۱۸۳۸-۱۹۲۸ م)» (نورائی و مهمان‌نواز ۱۳۹۱) و «اختلاف ایران و عثمانی بر سر شهر باغسائی» (بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم ۱۳۹۸) یک منطقه خاص از سرحد پشت‌کوه بررسی شده است و در برخی از پژوهش‌ها هم‌چون «تحلیلی بر مناقشات مرزی ایران با عثمانی و عراق در نوار مرزی ایلام» (اکبری و یاری ۱۳۹۴) و «نقش والیان ایلام در حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ایران‌زمین» (مرادی‌مقدم ۱۳۸۷) بیش‌تر جنبه سیاسی و نظامی روی‌دادهای مدنظر بوده است و تغییر و تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه موردتوجه قرار نگرفته است.

باتوجه‌به بررسی پیشینه تحقیق، موضوع پژوهش حال حاضر یکی از حلقه‌های مفقوده پژوهشی درباره تحولات مرزهای غربی ایران محسوب می‌شود. بنابراین، مقاله حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که مرزهای ایران در سرحد پشت‌کوه و در عصر قاجار دچار چه تغییر و تحولاتی شد و این تغییر و تحولات تابع چه عواملی بوده است؟ در عصر قاجار تلاش عثمانی‌ها برای تسلط بر برخی مناطق استراتژیک در مرزهای غربی ایران بود. به همین دلیل، سرحد پشت‌کوه و مناطق استراتژیک آن از قبیل اراضی صیفی و ملخ‌طاوی، رودهای مرزی گُنجانچم، گاوی، و چنگوله، و منطقه باغسائی و معادن نمک پشت‌کوه از جمله مناطق مدنظر عثمانی‌ها به‌شمار می‌رفتند، اما قدرت نظامی والیان فیلی و حضور

تحولات مرزی سرحد پشت کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۵

مؤثر و گسترده ایلات و عشایر سرحدی پشت کوه مانع از تحقق اهداف عثمانی‌ها شد و این منطقه سرحدی بدون تغییر باقی ماند.

۲. جغرافیای تاریخی پشت کوه

پشت کوه، مشتمل بر بخش وسیعی از استان ایلام امروزی، مسکن اقوام آزیاتیک (آسیانی) (زرین کوب ۱۳۸۸: ج ۱، ۷۲) و یکی از مهم‌ترین بخش‌های تمدن ایلام باستان با عنوان ورهشی یا مرهشه بوده است (مجیدزاده ۱۳۷۶: ۹۹؛ هیتس ۱۳۸۸: ۶۱).

هم‌زمان با تمدن ایلام باستان اقوام گوتی، لولوبی، و کاسی نیز در نواحی غرب نجد ایران ساکن بودند و حکومت‌هایی را تشکیل دادند. استان ایلام امروزی نیز به‌تنباب در قلمرو حکومتی این دولت‌ها قرار می‌گرفت و یا به‌عنوان ایالتی مستقل عمل می‌کرد (هیتس ۱۳۸۸: ۸۸) و پس‌از آن، تحت‌سیطره آشوری‌ها، مادها، و سپس هخامنشیان قرار گرفت (دیاکونوف ۱۳۵۴: ۳۱۷؛ نوربخش ۱۳۶۴: ۶۸؛ زرین‌کوب ۱۳۸۸: ج ۱، ۷۲). استرابون (Strabo) در نوشته‌های خود از این منطقه تحت‌عنوان ماساباتیس یاد کرده است (دیاکونوف ۱۳۸۴: ۱۶۹).

در زمان اشکانیان و ساسانیان استان ایلام کنونی شامل دو ایالت ماسبذان (شمال ایلام) و مهرجانقدق (جنوب ایلام) بخشی از ایالت بزرگ پهل‌ه بوده است (ابن‌فقیه همدانی ۱۳۴۹: ۲۳؛ نفیسی ۱۳۳۱: ۲۸۶، ۲۸۷) که بعدها اعراب آن را جبال نامیدند. بعد از اسلام و در دوره خلفای راشدین و سپس خلفای اموی و عباسی ولایات ماسبذان و مهرجانقدق گاه توسط حاکمان منصوب‌شده خلفا و گاه توسط حکام کوفه و بصره اداره می‌شدند (اسدی ۱۳۹۹: ۳۰-۳۲، ۳۷-۳۹).

پشت کوه (ماسبذان و مهرجانقدق)، که به‌عنوان بخشی از ایالت بزرگ پهل‌ه باستان (جبال) محسوب می‌شد، به‌واسطه داشتن شرایط اقلیمی متنوع و موقعیت استراتژیکی همواره مورد توجه امرا و خاندان‌های حکومت‌گر بوده است. هم‌زمان با فرمان‌روایی آل‌بویه در ایران، خاندان حسنویه برزیکانی (۳۳۰-۴۰۶ ق) بر این منطقه حکم راندند (ابن‌خلدون ۱۳۸۳: ج ۳، ۸۶۷؛ مجمل‌التواریخ ۱۳۱۸: ۳۰۵). برزیکانی‌ها سرانجام جای خود را به خاندان بنی‌عناز (۳۸۱-۵۱۱ ق) شاذنجانی گردتبار دادند و آن‌ها هم حدود ۱۳۰ سال بر آن حکم‌رانی کردند (بویل ۱۳۷۱: ج ۵، ۳۱؛ ابن‌اثیر ۱۳۸۷ ق: ج ۸، ۷۰۵، ۷۰۶).

با فروپاشی حکومت خاندان‌های کُرد بر این منطقه و به‌قدرت‌رسیدن اتابکان لر آل‌خورشید (۵۸۰ ق) ایلام و لرستان کنونی با عنوان ولایت لرستان در قلمرو لر کوچک قرار گرفتند (زکی بیگ ۱۳۸۱: ج ۲، ۲۰۱، ۲۰۲؛ راولینسون ۱۳۶۲: ۴۷؛ راد ۱۳۷۴: ۱۶۴). با برچیده‌شدن حکومت اتابکان آل‌خورشید، به‌سال ۱۰۰۶ ق به‌دستور شاه‌عباس صفوی (ترکمان ۱۳۷۷: ج ۲، ۸۶۱-۸۶۳؛ منجم یزدی ۱۳۶۶: ۱۵۹؛ هدایت ۱۳۳۹: ج ۸، ۳۰۴)، والیان فیلی به‌عنوان حکام این ولایت برگزیده شدند و تا اوایل دوره قاجار در دو منطقه پشت‌کوه و پیش‌کوه و پس‌از آن، تا اوایل دوره پهلوی بر منطقه پشت‌کوه حاکم بودند (منجم یزدی ۱۳۶۶: ۱۶۰؛ اسدی ۱۳۹۶: ۵۹).

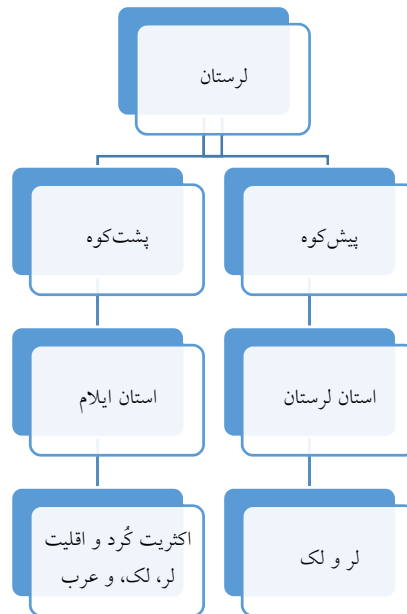
حمدالله مستوفی در عصر ایلخانی با ذکر تومان لر بزرگ و تومان لر کوچک این دو منطقه را جزء ولایت عراق عجم یا جبال ذکر کرده است. وی پیش‌کوه و جنوب پشت‌کوه را جزء تومان لر کوچک و مرکز و شمال پشت‌کوه را جزء ولایت کردستان محسوب کرده است (مستوفی ۱۳۶۲: ۷۰، ۷۱).

فتحعلی شاه قاجار در فرمانی به شاه‌زاده محمود میرزا در سال ۱۲۴۲ ق لرستان فیلی را مهم‌ترین و معظم سرحدات عراق عرب دانسته است (منشآت: ۱۵۷). مشیرالدوله و هوگو گروته (Hugo Grothe) حدود لرستان فیلی را بین بروجرد، کرمانشاهان، عراق عرب، خوزستان، و بختیاری تعیین کرده‌اند (مشیرالدوله ۱۳۴۸: ۹۷؛ گروته ۱۳۶۹: ۴۰).

در منابع جغرافیایی و تاریخی قاجاریه به‌واسطه وجود رشته‌کوه کبیرکوه و محدودشدن حوزه نفوذ والیان فیلی به پشت‌کوه، به‌تدریج تعابیر پیش‌کوه و پشت‌کوه برای دو بخش از لرستان فیلی رواج پیدا کرد. کرزن (Curzon) پشت‌کوه را محل زندگی ایلات و طوایف فیلی دانسته است و بنابه گفته او منطقه ایلات و طوایف فیلی که قبلاً شامل تمام مردم لر کوچک بود، پس از جدایی پیش‌کوه و پشت‌کوه به ایلات و طوایف حوزه پشت‌کوه محدود شد (کرزن ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۳۰).

مشیرالدوله تعبیر و نامیدن پیش‌کوه و پشت‌کوه را به‌واسطه وجود کوه کبار (کبیرکوه) دانسته و اراضی واقع در شمال شرقی کبیرکوه را پیش‌کوه و اراضی واقع در سوی دیگر آن را پشت‌کوه خوانده است (مشیرالدوله ۱۳۴۸: ۹۷). او حدود پشت‌کوه را از رود دویرج تا حوالی بادرائی و جَسان و ازسویی به خوزستان و از آن‌جا تا موازات مندلیج و عراق عرب و هم‌چنین عراق عجم تعیین کرده است (همان: ۹۸). پشت‌کوه امروزه در غرب سلسله‌جبال زاگرس، در گوشه غربی ایران، واقع شده است (سال‌نامه آماری ۱۳۹۴: ۲۵).

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۷



نمودار ۱. ساختار جمعیتی اقوام ولایت لرستان در عصر قاجار

باتوجه به بررسی اسناد و منابع گوناگون درخصوص حدود پشت‌کوه می‌توان چنین گفت که قلمرو طبیعی پشت‌کوه، که در واقع قلمرو جغرافیای سیاسی-اداری والیان فیلی پشت‌کوه محسوب می‌شد، مناطق وسیعی از استان ایلام امروزی (محدوده شهرستان‌های آبدانان، ایلام، [بدره]،^۱ چوار، دهلران، سیروان، مهران، ملکشاهی، و بخشی از چرداول) را پوشش می‌داده است (مظاهری و دیگران ۱۳۹۸: ۴۸-۵۰؛ Zanjani 2006: 631). استان ایلام کنونی از جنوب با استان خوزستان، از شرق با استان لرستان، و از شمال با استان کرمانشاه همسایه است و از سمت غرب ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد (سال‌نامه آماری ۱۳۹۴: ۲۵). شوشتری که در دوره زندگی از لرستان فیلی و منطقه پشت‌کوه دیدن کرده است، از پشت‌کوه به سرحد ایران یاد کرده است و چنین می‌نویسد:

[این منطقه] از یک سمت به سرحد بغداد اتصال دارد، اما هرگز نشده است که رومیان [عثمانی‌ها] به آن‌ها تسلط یابند. هنگام مناقشه و برهم‌خوردگی، هرگاه پاشایان بغداد با لشکر بی‌کران در آن دیار درآیند، ولایت را خالی نموده، ناموس و اموال و مواشی را به اماکن صعب‌المسالک برند و خود، جریده، به تاخت‌وتاز پس‌وپیش آن لشکر مشغول شوند تا این‌که از فقدان غله و آذوقه به‌ستوه آمده، برگردند (شوشتری ۱۳۶۳: ۱۷۴).

درباره شهرهای واقع در پشت‌کوه در منابع جغرافیایی و تاریخی نوشته‌شده در عصر قاجاریه اطلاعات اندکی در دست است و دلیل آن نیز زندگی ایلیاتی و کوچ‌نشینی مردم این منطقه در این دوران بوده است که ظل‌السلطان در عصر قاجار و فریا استارک (Freya Stark) در اوایل دوره پهلوی به این موضوع اشاره کرده‌اند (ظل‌السلطان ۱۳۶۸: ج ۲، ۶۰۸؛ استارک ۱۳۶۴: ۷۱). فریا استارک در این باره چنین می‌نویسد:

تا سال قبل در ناحیه مرتفع و دورافتاده پشت‌کوه جز چند خانه در گوشه‌وکنار که به والی تعلق داشت، مطلقاً خانه‌ای دیده نمی‌شد. اینک، دولت ایران مشغول توسعه و احداث ساختمان در مرکز ناحیه در حسین‌آباد^۲ است... وقتی آدمی به این‌جا سفر می‌کند یا خود فکر می‌کند که شاید این‌ها از آغاز تاریخ تاکنون به همین شیوه زندگی کرده‌اند، اما حقیقت این است که تمام منطقه از آثار و ویرانه روستاها و شهرهای باستانی پوشیده شده است (استارک ۱۳۶۴: ۷۱).



نقشه ۱. ولایت لرستان/ لر کوچک (پیش‌کوه و پشت‌کوه) عصر قاجار، سال ۱۸۵۰ م؛ برگرفته از نقشه ایران در عصر قاجاریه به سال ۱۸۵۰ م، ترسیم‌شده توسط جان تالیس و جان راپکین (<https://www.raremaps.com/gallery/detail/76128/persia-tallis>).

۳. مناطق استراتژیک پشت‌کوه

از زمان انعقاد عهدنامه زهاب در سال ۱۰۴۹ ق در عصر صفوی و تعیین مرزهای غربی ایران و عثمانی، مساحت زیادی از مرزهای ایران در آن سوی سرحد پشت‌کوه تا کناره‌های رود دجله به صورت دقیق تعیین نشده بود (مرندی یکانلو ۱۳۹۵: ۱۳۳، ۱۳۴). منازعه اصلی

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۹

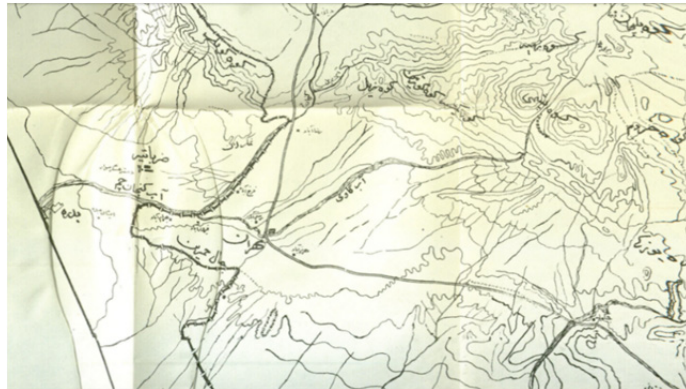
ایران و عثمانی در سرحد پشت‌کوه شامل اراضی واقع در سمت شرقی رود دجله، حدفاصل جبل حمزین تا رود دجله به‌عرض پنج تا هشت‌نُه فرسخ و از بادرائی تا رود دویرج به‌طول نزدیک به سی فرسخ می‌شد (همان: ۱۰۰).

مهم‌ترین موارد اختلاف ایران و عثمانی در سرحد پشت‌کوه احساس مالکیت دو دولت ایران و عثمانی بر معادن نمک پشت‌کوه و معادن نمک محال جَسان، بَدْره، زرباطیه، و تُرساق^۳ در خاک عثمانی و تسلط بر مناطق صیفی، مُلخَطاوی^۴ و باغسائی و هم‌چنین مسئله بهره‌برداری از آب رودهای مرزی کُنجانچِم، گاوی، و چنگوله توسط مردم ساکن در دو سوی مرزهای ایران و عثمانی بوده است (گزیده اسناد سیاسی ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۲۶-۲۵۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۴۱-۳۴۳). به‌طور کلی می‌توان جبل حَمَزَین، رودهای کُنجانچِم و گاوی و چنگوله، اراضی حاصل‌خیز صیفی و ملخَطاوی، معادن نمک پشت‌کوه، و منطقه باغسائی را از جمله مناطق استراتژیکی پشت‌کوه و کانون تحولات مرزی این سرحد در عصر قاجار به‌شمار آورد.



نمودار ۲. مناطق استراتژیکی و مورد مناقشه ایران و عثمانی در سرحدات پشت‌کوه در عصر قاجار

سلسله جبال استراتژیکی حمیرین^۵ از جنوب مندلی در استان دیاله، مجاور مرز پشت‌کوه، آغاز و به جلگه خوزستان منتهی می‌شود که دارای خط‌الرأسی ممتد است. در طول این خط‌الرأس رشته قلال مجزایی از جنس خاک به نام حلت دیده می‌شود. رشته‌کوه حمیرین در قسمت شمال مرتفع‌تر است و هرچه به سوی جنوب امتداد می‌یابد از ارتفاعش کاسته می‌شود (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۴۷، ۴۸). ژان اوتر (Jean Otter) در سفرنامه خود به جبل حمیرین با عنوان کوه‌هایی کم‌ارتفاع و سرخ‌رنگ واقع در مرز ایران و عثمانی اشاره کرده است (اوتر ۱۳۶۳: ۱۸۹، ۱۹۰). براساس نوشته‌های مشیرالدوله در رساله تحقیقات سرحدیه تعیین حدود مرزهای ایران و عثمانی در پشت‌کوه اکثراً به تبعیت و براساس وضعیت طبیعی جبل حمیرین صورت گرفته است (مشیرالدوله ۱۳۴۸: ۱۰۲، ۱۰۳).



نقشه ۲. موقعیت جبل حمیرین و رودهای کُنجانچم و گاوی در مرزهای غربی ایران (رزم‌آرا ۱۳۲۰: نقشه ۸، ۱۵).

رودهای مرزی پشت‌کوه شامل سه رود عمده کُنجانچم، گاوی، و چنگوله می‌شوند. رود کُنجانچم از سراب کل‌کل از ارتفاعات شلم کوه‌های سیوان در جنوب ایلام سرچشمه گرفته و در جهت شمال‌شرقی به جنوب‌غربی پس از طی دوازده کیلومتر از خط مرزی ایران و عراق به رودخانه گاوی ملحق می‌شود. سرچشمه اصلی رود کُنجانچم ارتفاعات چنگینه، علی‌بیگی، و کوه ملاشاه هستند. شعباتی که به رود کُنجانچم ملحق می‌شوند، یکی گلال آب‌آفتاب است که از میشخاص سرچشمه می‌گیرد و دیگری رود چشمه‌ملک که از کوه شاه‌نخجیر (شَنجیر) سرچشمه می‌گیرد. این رودخانه پس از عبور از صالح‌آباد و شهرستان مهران به رود دجله در کشور عراق می‌ریزد. طول رود کُنجانچم تا مرز ایران و عراق نود کیلومتر است (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۵۵؛ رزم‌آرا ۱۳۲۰: ۷).

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۱۱

رودخانه گاوی از ارتفاعات سیاه‌کوه، دامنه غربی کبیرکوه، سرچشمه گرفته و آب‌های چشمه‌دره و بالشک‌آب گلال میرمحمد از شعبات تغذیه‌کننده این رود هستند. مسیر رودخانه گاوی از شرق به غرب است که، پس از طی مسافتی وارد دشت مهران شده و پس از عبور از آبادی رستم‌آباد مهران، در نقطه مرزی به رودخانه گنجانچم ملحق می‌شود. این رود تأمین‌کننده آب زراعی دشت محسن‌آب مهران است (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۵۵؛ رزم‌آرا ۱۳۲۰: ۷).

رودخانه چنگوله در چهل کیلومتری ایلام از آب بیوره سرچشمه می‌گیرد. مسیر این رود از شمال شرقی به جنوب غربی است و شعباتی هم‌چون آب کنات، تاتسمورت، و فرورد به آن ملحق می‌شوند. این رود پس از عبور از منطقه‌ای به نام دوآب از مرز خارج شده منطقه باغسائی در عراق را مشروب ساخته و به رود دجله می‌پیوندد. طول رودخانه چنگوله تا مرز ایران و عراق ۸۴ کیلومتر و آب آن کمی شور و گوگردار است (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۵۵، ۵۶؛ رزم‌آرا ۱۳۲۰: ۷).

باغسائی (باکسایا/ باغشاهی/ باغسای) نیز از جمله مناطق مهم و استراتژیک پشت‌کوه محسوب می‌شد. این منطقه تنها منطقه‌ای در پشت‌کوه است که نام آن به صورت مستمر از دوره باستان تا اوایل دوره پهلوی در اسناد و منابع تاریخی ذکر شده است (بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم ۱۳۹۸: ۹). مرندی یکانلو درباره حدود منطقه باغسائی چنین آورده است:

شرقاً و شمالاً به اراضی دولت علیه ایران [قاجار] متصل است و غرباً به اراضی بادرائی و جسان و جنوباً به حاضیه یسار شط بغداد [رود دجله] منتهی می‌باشد... شمالاً به جبل حمزین و شرقاً به دویرج [رود دویرج] یعنی از هر دو طرف مزبوره به خاک ایران متصل و به خاک پشت‌کوه محدود است (مرندی یکانلو ۱۳۹۵: ۱۰۰، ۱۰۱).

بنابه گزارش مشیرالدوله حسن‌خان والی، جد والیان فیلی، قلعه‌ای در غرب باغسائی ساخته بود که در زمان وی مخروبه شده و در میان اعراب مرزی به صدرالحد (مبدأ حد) معروف بود. این نقطه که مصب رودخانه چنگوله به شط (رود دجله) بود، حدود قدیمی ایران و عثمانی از زمان سلطان مراد چهارم و شاه‌صفی صفوی محسوب می‌شد و در گذشته اشعاری در همین زمینه بر آن نقش بسته بود (مشیرالدوله ۱۳۴۸: ۹۹). در منطقه باغسائی، علاوه بر این قلعه، قلعه‌های دیگری هم‌چون قلعه قدیم، قلعه تازه (قیران)، قلعه چنگوله، قلعه صیفی، قلعه ملخطاوی (مرندی یکانلو ۱۳۹۵: ۵۰، ۱۰۳، ۲۱۵، ۲۸۹)، قلعه کوت‌القمیش (حسینی^۶) (مشیری ۱۳۴۸: ۹۸، ۱۰۰)، و قلعه تامر در جنوب غربی مزرعه شهابی وجود داشتند (تحقیقات سرحدیه: ۸۴). فریا استارک در سفرنامه خود به این منطقه با عنوان باغ‌شاه

در مرز ایران و عراق اشاره کرده که منطقه‌ای سرسبز و دارای درختان نخل، زردآلو، و انار بوده است (استارک ۱۳۶۴: ۲۱۳).

رود مرزی چنگوله از منطقه باغسائی می‌گذشت و به مسافت سه فرسخ نهرهایی را برای زراعت و آبیاری در دو طرف آن ایجاد کرده بودند. میرزا مجبعلی‌خان در سال ۱۲۸۷ ق برای اثبات تعلق باغسائی به خاک ایران نه نهر بزرگ و کوچک باغسائی و مساحت اراضی زراعی تحت پوشش این نهرها را ذکر کرده است (مرندی یکانلو ۱۳۹۵: ۱۵۹-۱۶۳؛ بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم ۱۳۹۸: ۱۷) و غلامرضاخان، والی پشت‌کوه، در سال ۱۳۲۸ ق برای اثبات تعلق باغسائی به خاک ایران به معرفی نهرها و زارعان باغسائی پرداخته است (استادوخ، سند ۸-۲۴-۱۳۲۸ ق؛ بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم ۱۳۹۸: ۱۷).

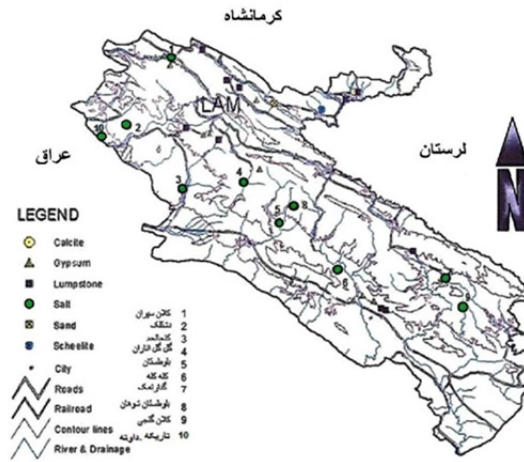


نقشه ۳. موقعیت باغسائی با رنگ زرد و رود چنگوله با رنگ قرمز در مرزهای ایران و عثمانی؛ برگرفته از نقشه مرزهای ایران و عثمانی ترسیم‌شده توسط افسران روسی و انگلیسی در طی سال‌های ۱۸۴۹ تا ۱۸۵۵ میلادی با امضای ژنرال سرهنری جیمز مدیرکل آژانس ملی نقشه‌برداری بریتانیا، بخش جغرافیا و نقشه‌های کتابخانه ملی کنگره آمریکا، واشنگتن دی.سی.

(<https://www.loc.gov/resource/g7431fm.gct00207>.)

در میان مراتع و دشت ایلام در حوضه شمال‌غربی این منطقه و در نزدیکی ارتفاعات میمک حدود مراتع ایلات و طوایف بولی، خیزل، میشخاص، و پنج‌ستون معادن نمک پشت‌کوه شامل سه رباط نمک دشت‌لگ (ده‌یشته‌له‌گ)،^۷ تاریکه (تیه‌ریکه)، و داوده (داوته) در مرز ایران و عراق امروزی قرار داشتند (استادوخ، سند ۶۵-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق) و در آن سوی مرز در محال جسان، بدره، زرباطیه، و ترساق معادن مرزی عثمانی قرار داشتند که در زمان حکمرانی والیان فیلی پشت‌کوه مورد اختلاف والیان مرزی ایران و حکومت عثمانی بودند (نورائی و مهمان نواز ۱۳۹۱: ۲۳، ۲۴). این معادن نمک امروزه نیز با همین اسامی وجود دارند و در گذشته یکی از عوامل تأثیرگذار در تحولات مرزهای ایران و عثمانی به‌شمار می‌رفتند.

تحولات مرزی سرحد پشت کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۱۳



نقشه ۴. موقعیت معادن نمک استان ایلام کنونی؛ نقطه‌های سبزرنگ نشان‌دهنده معادن نمک هستند و معادن نمک دشتلگ و تاریکه- داوته (داوده) با شماره‌های ۲ و ۱۰ در نزدیکی مرزهای شمال غربی استان ایلام واقع شده‌اند (نوراللهی ۱۳۹۸: ۴۸۳).

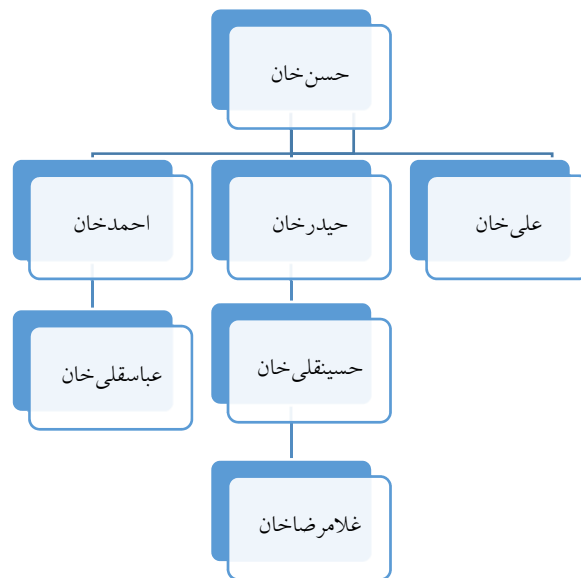


نقشه ۵. موقعیت تقریبی معادن پشت کوه و معادن نمک محال جَسان، بَدَره، ژرباطیه، و تُرساق. شماره ۱: معادن نمک پشت کوه در قلمرو ایران و شماره ۲: معادن نمک محال جَسان، بَدَره، ژرباطیه، و تُرساق در قلمرو عثمانی (بنگرید به رزم آرا ۱۳۲۰).

۴. تحولات مرزهای غربی پشت‌کوه در عصر والیان فیلی

والیان فیلی یکی از والیان چهارگانه سرحدی عصر صفوی محسوب می‌شدند (میرزا سمیعا ۱۳۶۸: ۵). اسماعیل خان والی آخرین فرد از خاندان فیلی بود که در اواخر دوره افشاریه، دوره زندیه، و اوایل عصر قاجار در لرستان و ایلام حاکم بود و بعد از وی در دوره فتحعلی‌شاه قاجار و والی‌گری نوه‌اش، حسن‌خان، قلمرو این حکام به پشت‌کوه محدود شد (لایارد ۱۳۶۷: ۳۰۴-۳۰۸؛ اسدی ۱۳۹۶: ۵۹-۶۱؛ مرادی‌مقدم ۱۳۸۷: ۱۵۰).

والیان پشت‌کوه با بهره‌گیری از قدرت نظامی ایلات و طوایف ساکن در پشت‌کوه به‌عنوان بازوی نظامی و سپر دفاعی سرحدی ایران عمل می‌کردند و با اخذ مالیات از مردم پشت‌کوه و ارسال مالیات جمع‌آوری‌شده به مرکز در تأمین بودجه نظامی سپاه ایران مشارکت داشتند. در سیستم جمع‌آوری مالیات پشت‌کوه کارگزاران والی، عالی‌جاه‌توشمال (سرتوشمال)^۱ و توشمالان ایلات، کدخدایان طوایف، و ریش‌سفیدان تیره‌ها نقش اساسی را برعهده داشتند و عامه مردم، که اکثریت جمعیت پشت‌کوه را تشکیل می‌دادند، ملزم به پرداختن مالیات سالانه بودند و در مواقع لزوم سربازان سپاه والی را تشکیل می‌دادند (بارتولد ۱۳۰۸: ۲۳۵، ۲۳۶؛ ظل‌السلطان ۱۳۶۸: ۵۷۴-۵۷۷).



نمودار ۳. والیان فیلی پشت‌کوه در عصر قاجار (نویس‌المسافر ۱۳۸۴: ۲۱۶؛ اسدی ۱۳۹۶: ۷۰).

۱.۴ حسن‌خان والی سرحددار مرزهای غربی ایران

اسماعیل‌خان والی، که در دوره کریم‌خان زند با او به مخالفت پرداخته بود، با به‌قدرت‌رسیدن آقامحمدخان قاجار به او پیوست و در منصب والی‌گری لرستان (پیش‌کوه و پشت‌کوه) باقی ماند (ساروی ۱۳۷۱: ۱۵۲). با مرگ اسماعیل‌خان والی حسن‌خان، نوه‌اش، جانشین او شد. حسن‌خان از هواخواهان آقامحمدخان قاجار به‌شمار می‌رفت و در دست‌گیری و کورکردن محمدخان زند، که پس از شکست از قوای قاجار به لرستان پناه آورده بود، نقش داشت (هدایت ۱۳۳۹: ج ۹، ۷۴۵۸). در دوره سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار که وی سعی در تثبیت قدرت خود داشت، به محدودکردن نفوذ و حیطة قدرت حکام و امرای محلی اقدام کرد؛ لرستان نیز از این قاعده مستثنا نبود و حوزه نفوذ والیان فیلی به پشت‌کوه محدود شد (راولینسون ۱۳۶۲: ۵۱، ۵۲؛ راد ۱۳۷۴: ۱۹۵).

در این دوره سیاست شاه قاجار برای حفاظت از مرزهای غربی ایران در برابر تجاوزهای عثمانی‌ها ایجاد منصبی به‌عنوان صاحب‌اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم بود که والیان و حاکمان غرب کشور به‌استثنای آذربایجان زیرنظر وی قرار می‌گرفتند. شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه، که هم حاکم کرمانشاهان (۱۲۲۱ ق) محسوب می‌شد و هم صاحب‌اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم بود (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۳: ج ۳، ۱۴۸۲، ۱۴۸۳)، برای مقابله با تجاوزات عثمانی‌ها و فشار بر سیاست‌مداران دولت عثمانی برای جابه‌جایی قدرت در رأس هرم حکومت والیان بابان از حسن‌خان والی و نیروهای عشایری فیلی پشت‌کوه از جمله موسی خمیس، رئیس ایل ملکشاهی در نبردهای سال‌های ۱۲۲۱-۱۲۲۲ ق و ۱۲۳۶-۱۲۳۷ ق که با فتح شهرزور و سلیمانیه، نفوذ در صفحات کرکوک و موصل، و محاصره بغداد هم‌راه بود، بهره برد. ایلات و طوایف فیلی در این نبردها قسمت قابل توجهی از سپاه ایران را تشکیل می‌دادند و در این فتوحات نقش به‌سزایی داشتند (سپهر ۱۳۷۷: ج ۱، ۳۲۹، ۳۳۰؛ هدایت ۱۳۳۹: ج ۹، ۷۷۸۱؛ الفیلی ۲۰۰۹: ۱۶۴-۱۶۶؛ محمدزاده ۱۳۸۹: ۲۸؛ اسدی ۱۳۹۵: ۷۰-۷۷).

به‌سبب قدرت نظامی حسن‌خان والی و باوجود سیاست‌مداران باکفایتی هم‌چون شاهزاده محمدعلی میرزا قاجار (دولتشاه) و سپس فرزندش محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله به‌عنوان صاحب‌اختیاران سرحدات عراقین عرب و عجم (منشآت: ۱۳۹-۱۴۱)، دولت‌مردان عثمانی و پاشای بغداد برای تجاوز به سرحد پشت‌کوه تمایل چندانی نداشتند و مرزهای پشت‌کوه که براساس عهدنامه زهاب در دوره صفویه (۱۰۴۹ ق) تعیین شده بود، بدون تغییر باقی

ماند. در این عهدنامه محال جَسان و بدرائی جزء قلمرو عثمانی و مهران و توابع آن جزء قلمرو ایران تعیین شده بودند (برای اطلاعات بیشتر، بنگرید به محمد معصوم ۱۳۶۸؛ سنورنامه شاه صفی و سنورنامه مصطفی پاشا به وکالت سلطان مراد چهارم: ۲۶۸-۲۷۵؛ تحقیقات سرحدیه، سواد عهدنامه زهاب در تاریخ شوال ۱۰۴۹ ق: ۵۱-۵۶).

با وجود این، در سال ۱۲۳۷ ق محمدحسین میرزا صاحب‌اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم، که پس از مرگ شاهزاده محمدعلی میرزا دولت‌شاه از سوی فتحعلی‌شاه قاجار به‌جانشینی پدرش منصوب شده بود، به‌یاری والیان و حکام سرحدی ایران شهرهای مهم محال مرزی عثمانی در مجاورت پشت‌کوه از جمله مندلیج (مندلی)، جَسان، بدرائی (بدره)، و ژرباطیه را تصرف کرد (خاوری‌شیرازی ۱۳۸۰: ج ۱، ۵۶۶، ۵۶۷) و در سال بعد این محال مرزی را در ازای دریافت باج و با شرایطی سنگین به داوودپاشا، والی بغداد، واگذار کرد (همان: ۵۷۵-۵۷۷). در گزارش راولینسون به اخذ مالیات از اهالی بدرائی (بدره) توسط حسن‌خان و تحویل آن به حاکم کرمانشاه اشاره شده است (راولینسون ۱۳۶۲: ۱۵۲).

حسن‌خان والی در دوران مسئولیت محمدعلی میرزادولت‌شاه و فرزند او، محمدحسین میرزا، به‌عنوان صاحب‌اختیاران سرحدات عراقین عرب و عجم، به‌خوبی توانست از سرحد پشت‌کوه درمقابل تهاجمات قوای عثمانی محافظت کند و حتی دامنه نفوذ حکومت ایران را تا محال جَسان، بدره، ژرباطیه، و تُرساق در قلمرو عثمانی گسترش بدهد.

۲.۴ حاکمیت سه‌گانه علی‌خان، حیدرخان، و احمدخان

پس از مرگ حسن‌خان والی در ۱۲۵۵ ق برسر جانشینی او میان پسرانش رقابت و کشمکش‌هایی به‌وجود آمد. محمدشاه قاجار نیز برای رفع این غائله هرکدام از فرزندان والی را به حکومت یک بخش از پشت‌کوه منصوب کرد. علی‌خان به حکومت جنوب پشت‌کوه شامل صفحات کُرد، شوهان، دهلران، و آبدانان تعیین شد. احمدخان به حکومت مناطق شمالی شامل خزل، چرداول، و ملکشاهی تعیین گردید و حیدرخان نیز حکومت مناطق مرکزی و غربی پشت‌کوه شامل ده‌بالایی، بدره، علی‌شروان، عالی‌بیگی، ملخطاوی، ارکوازی، بولی، و پنج‌ستون را برعهده گرفت (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۴: ۲۰۷۱-۲۰۷۶؛ رفعتی ۱۳۸۶: ۲۹، ۳۰). مشیرالدوله درباره تعیین حدود حوزه قلمرو والیان سه‌گانه و اوضاع نابه‌سامان پشت‌کوه چنین می‌نویسد:

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۱۷

به‌لحاظ تعدد ولات، پشت‌کوه عرضاً به سه حصه منقسم است. حصه اول از دویرج^۹ و اناران^{۱۰} که قلمرو علی‌خان است و حصه دوم و سوم از اناران تا رودخانه کانی‌شیخ^{۱۱} که قلمرو حیدرخان و احمدخان است. اگرچه قلمرو این دو برادر هم مشخص و مفروض است، ولیکن قطعات مخلوط هم است. ولات ثلاثه مزبوره پسران حسن‌خان فیلی [است] و اکنون هرکدام در قلمرو خود حکم‌ران به‌اجازه دولت و صاحب نقاره‌خانه و ایشیک‌آقاسی و فراش‌باشی و تفنگ‌چی و صف‌سلام هستند. وقت امنیت با هم‌دیگر ضد و هنگام ناامنی و روز تنگی غالباً با یک‌دیگر معاضد می‌باشند. وقت مرور فدوی کمال نفاق و عداوت را باهم داشتند. می‌توان گفت مضایقه از تزییع جان و مال یک‌دیگر نمی‌کردند (تحقیقات سرحدیه: ۸۰).

آشفته‌گی و ناامنی روزافزون منطقه پشت‌کوه به‌واسطه حکومت چندگانه فرزندان حسن‌خان و تضاد و دشمنی آن‌ها با یک‌دیگر موجب تصرف معادن نمک دشت‌های شمال‌غربی پشت‌کوه توسط والی بغداد شد. نبود وجود قدرتی متمرکز در پشت‌کوه باعث مشکلاتی از قبیل عدم بهره‌مندی کشاورزان صیفی و ملخطوای از آب رودخانه‌های مرزی گنجانچم و گاوی و هم‌چنین مشکلاتی برسر بهره‌برداری از مراتع مرزی توسط ایلات و طوایف پشت‌کوه به‌وجود آورد.

عثمانی‌ها پس از مرگ حسن‌خان و نابه‌سامانی‌های منطقه در زمان تقسیم حدود پشت‌کوه میان فرزندان سه‌گانه والی به مرزهای غربی هجوم آوردند، معادن نمک پشت‌کوه را تصرف کردند، اما حیدرخان حاکم صفحات مرکزی و غرب پشت‌کوه، علاوه‌بر بازپس‌گیری معادن پشت‌کوه، معادن نمک عثمانی در محال‌جسان، بدره، ژرباطیه، و تُرساق را تصرف کرد و به حوزه قلمرو پشت‌کوه افزود (مرادی‌مقدم ۱۳۸۷: ۱۵۱؛ نورائی و مهمان‌نواز ۱۳۹۱: ۲۶).

بازپس‌گیری معادن نمک اشغال‌شده پشت‌کوه و تصرف معادن عثمانی توسط حیدرخان با کمک ایلات و طوایف تحت‌امر خود زمینه اعتراضات دولت عثمانی به حکومت مرکزی ایران را فراهم ساخت (احتشامی ۱۳۸۳: ۱۳۸-۱۴۵). از اسناد به‌جای‌مانده در سال ۱۲۷۱ ق چنین استنباط می‌شود که حیدرخان والی به توصیه و با فشار دولت مرکزی ایران و در رأس آن‌ها میرزا آقاخان نوری صدراعظم وقت و شاه‌زاده خانلر میرزا احتشام‌الدوله حاکم لرستان و خوزستان که نگران روابط فی‌مابین ایران و عثمانی بودند، به تخلیه معادن نمک واقع در قلمرو عثمانی مجبور شده است (همان: ۱۴۲، ۱۵۱-۱۵۶).

۳.۴ عباسقلی خان و زلزله در مرزهای پشت کوه

با مرگ حیدرخان و احمدخان و به دنبال سیاست تفرقه افکنی شاه قاجار حسینقلی خان، فرزند حیدرخان، و عباسقلی خان، فرزند احمدخان، به صورت مشترک به والی گری پشت کوه منصوب شدند و این امر موجب سوءاستفاده و تعرض دوباره عثمانی ها به مرزهای غربی پشت کوه شد و اراضی صیفی و ملخطای و منطقه باغسائی توسط آنان اشغال گردید.

در ربیع الاول سال ۱۲۷۸ ق با فشار سیاسی دولت ایران و قدرت نظامی حسینقلی خان، والی پشت کوه، عثمانی ها اراضی صیفی و ملخطای و هم چنین باغسائی را تخلیه کردند و از والی پشت کوه خواسته شد در این مناطق حرکتی علیه عثمانی نکند. در همین سال حسینقلی خان ابوقداره تمامی مالیات اراضی ملخطای را، که برحسب قراردادهای پیشین قرار بود با عشیرت الطعان تابع دولت عثمانی نصف شود، به تصرف درآورد و به بدره و ژرباطیه، واقع در قلمرو عثمانی، حمله کرد که این امر باعث اعتراض رسمی احمدتوفیق پاشا والی بغداد شد (گزیده اسناد سیاسی ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۲۶، ۲۲۷).

پس از مدتی والی گری مشترک عباسقلی خان به کمک ضیاءالملک، حاکم لرستان و خوزستان، زمینه برکناری حسینقلی خان را از حکومت پشت کوه فراهم ساخت. برکناری حسینقلی خان و ضعف عباسقلی خان عثمانی ها را به توسعه ارضی خود تحریک کرد. به همین دلیل، پاشای بغداد و نیروهای تحت امر او از این فرصت استفاده کردند به سرحد پشت کوه تجاوز کردند و معادن نمک پشت کوه را در سال ۱۲۷۹ ق تصرف کردند و به دنبال آن در سال ۱۲۸۰ ق اهالی ژرباطیه در خاک عثمانی آب رودخانه گنجانچم را تصاحب کردند و مانع استفاده مردم ملخطای و صیفی از آب این رود شدند (همان: ۲۲۸، ۲۲۹).

تعدیات سپاه عثمانی از یک سو و هجوم تیره بنی رحمه از اعراب بنی لام از سوی دیگر، باعث به وجود آمدن ناآرامی در مرزهای پشت کوه شد و مشقت هایی برای ایلات و طوایف ساکن در مرزهای غربی به وجود آورد. سستی و ضعف عباسقلی خان و کسب تکلیف از دولت مرکزی برای مقابله با عثمانی ها در دو سند جداگانه به جای مانده در سال های ۱۲۷۹-۱۲۸۰ ق به خوبی آشکار می شود (استادوخ، سند ۴۸-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق).

دولت ایران در دو نامه جداگانه در ماه رمضان سال ۱۲۸۰ ق و ۲۲ ذی قعدة ۱۲۸۰ ق خواستار رسیدگی به وضع موجود شد و خواهان دادن آب به مردم ملخطای و صیفی

گردید و هم‌چنین نامه‌نگاری‌هایی از سوی مقامات ایرانی و عثمانی برسر مالیات مناطق ملخطای و صیفی و تقسیم آب گنجانچم صورت پذیرفت که در آن اسناد قاطعانه از حق طبیعی ایران مبنی بر مالکیت مناطق حاصل‌خیز ملخطای و صیفی و هم‌چنین استفاده کشاورزان و زارعان این مناطق از آب رودخانه گنجانچم دفاع شد (گزیده اسناد سیاسی ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۲۸-۲۵۸).

اعتراض میرزا بزرگ‌خان، کارپرداز ایران در بغداد، به عباسقلی‌خان درپی سستی او در مقابله با تجاوزات عثمانی و ذکر حمیت و توانایی حسینقلی‌خان، پسرعموی او که در دوران والی‌گری مشترکشان با یاری نیروهایی از ایل ملکشاهی توانسته بود سهم مردم پشت‌کوه از معادن نمک را دریافت کند، نشان‌دهنده نارضایتی سیاست‌مداران ایرانی از عملکرد عباسقلی‌خان است (استادوخ، سند ۱۴-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق). اسناد به‌جای‌مانده از دوران کوتاه‌مدت والی‌گری عباسقلی‌خان نشان‌دهنده تضاد و دوگانگی نظرهای والی و دولت‌مردان ایرانی است (استادوخ، سند ۴۸-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق).

نکته حائز اهمیت دیگری که پس از مرگ حسن‌خان والی و درطی حکومت والیان سه‌گانه و والی‌گری مشترک حسینقلی‌خان و عباسقلی‌خان و پس‌از آن نمود پیدا کرد، مسئله مهاجرت بی‌رویه مردم پشت‌کوه به عراق عرب در خاک عثمانی و دیگر ولایات ایران بوده است. جمعیت پشت‌کوه در این دوران و درطی سال‌های ۱۲۵۰ ق تا ۱۲۸۰ ق به‌واسطه مالیات سنگین، درگیری‌ها و کشمکش‌های والیان برسر جانشینی، و خشک‌سالی‌های ناشی از مصادره آب رودهای مرزی گنجانچم، گاوی، و چنگوله توسط عثمانی‌ها در دوره والی‌گری عباسقلی‌خان، از دوازده‌هزار خانوار (راولینسون ۱۳۶۲: ۱۵۲) به ۷۵۰۰ خانوار کاهش یافت (استادوخ، سند ۲۴-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق).

ناکارآمدی عباسقلی‌خان در اداره پشت‌کوه و ناتوانی او در دفع تجاوزات پاشای بغداد به نواحی مرزی پشت‌کوه و مهم‌تر از همه کاهش چشم‌گیر جمعیت این منطقه زمینه عزل وی را توسط حکومت مرکزی فراهم ساخت و حسینقلی‌خان به‌دنبال فترتی چندساله به حکومت پشت‌کوه منصوب شد (اعتمادالسلطنه ۱۳۶۴: ۲۰۷۱-۲۰۷۶).

در دوره والی‌گری عباسقلی‌خان منطقه پشت‌کوه شاهد تجاوزهای گسترده عثمانی‌ها بود و ضعف عباسقلی‌خان و تنش در روابط او با دولت‌مردان مرکزی زمینه را برای تصرف معادن نمک پشت‌کوه و منطقه باغسائی و مصادره منابع آبی رودخانه‌های مرزی ایران توسط دولت عثمانی و عشایر ساکن در قلمرو آن کشور فراهم ساخت.

۴.۴ اقتدار حسینقلی خان ابوقداره و سیاست محافظه‌کارانه دولت مرکزی

حسینقلی خان ابوقداره، که پس از عزل عباسقلی خان مجدداً به والی‌گری پشت‌کوه منصوب شد، علاوه بر یاری‌رساندن به ظل‌السلطان در دفع شورش‌های ایلات و طوایف لر (ظل‌السلطان ۱۳۶۸: ج ۲، ۶۲۴-۶۳۷)، مدت‌ها بر سر دست‌یابی بر معادن نمک پشت‌کوه، منطقه باغسائی، و اراضی صیفی و ملخطای در منتهی‌الیه غربی مرز ایران و عثمانی و هم‌چنین بهره‌برداری حداکثری از آب رودخانه‌های گنجانچم، گاوی، و چنگوله با سپاهیان عثمانی درگیر بود (صفایی ۱۳۶۶: ۷۷-۷۹).

حسینقلی خان در ابتدا معادن نمک پشت‌کوه را، که مدتی در اشغال عثمانی‌ها بود، بدون اطلاع و کمک دولت مرکزی ایران، تصرف کرد. در کتاب *انیس‌المسافر* نوشته غلامرضاخان والی به بازستاندن معادن نمک پشت‌کوه توسط حسینقلی خان ابوقداره از عثمانی‌ها اشاره شده است. در این نبرد، که سرکردگی سپاهیان والی برعهده موسی خان، برادر والی، و میرزا موسی خان رشنوادی بوده است، سپاهیان عثمانی به فرمان‌دهی محمدپاشا درصدد مقابله برآمدند، اما سرانجام شکست خوردند و معادن نمک پشت‌کوه از عثمانی‌ها بازستانده شدند (غلامرضاخان فیلی ۱۳۸۴: ۲۲۲، ۲۲۳).

کرزن حسینقلی خان را برجسته‌ترین سرکرده زنده مرزی خوانده که قادر بوده است تا سی‌هزار نیرو را جمع‌آوری کند و می‌نویسد که حملات حسینقلی خان والی به شهرهای مرزی عثمانی برای غارت سلاح‌های عثمانی‌ها بوده است (کرزن ۱۳۷۳: ج ۲، ۳۳۷). دموورگان (Jacques de Morgan) او را سلطانی کوچک و حاکم مطلق کوهستان‌های خویش (پشت‌کوه) خوانده است (دمورگان ۱۳۳۸: ۲۵). ناصرالدین‌شاه و شاه‌زادگان قاجار نیز، که به دنبال درگیری با عثمانی‌ها نبودند و هم‌چنان به معاهده‌های ارزروم اول و دوم و مفاد آن‌ها پای‌بند بودند، با تکیه بر قدرت نظامی حسینقلی خان تمامی بار مسئولیت دفاع از مرزهای پشت‌کوه را برعهده والی و ایلات و طوایف منطقه وانهاده بودند.

در گزارش و تلگرافی بدون تاریخ از ظل‌السلطان به ناصرالدین‌شاه از او درباره درخواست‌های مکرر حسینقلی خان، والی پشت‌کوه، و معین‌الملک برای مقابله با تجاوزهای عثمانی‌ها کسب تکلیف شده است. در این تلگراف سیاست شاه و شاه‌زادگان قاجاری در این دوره و در ارتباط با مسائل مرزی به‌خوبی نمایان می‌شود. در بخشی از این تلگراف چنین آمده است:

...عقیده غلام این است که ابداً از طرف ما اظهار نشود و والی خود دفع شر آن‌ها بکند، همین قسم که والی بغداد بدون اطلاع ما این اقدامات را می‌نماید. حسینقلی خان هم خود درصدد برآمده چنان نموده شود که ما هیچ اطلاع نداریم. اگر از طرف دولت عثمانی اظهار شود جواب شافی داریم که چرا بی‌اطلاع ما اقدام به این کار کرده است، والی هم بدون اطلاع ما منع و دفع نموده است. این فقره به عقل ناقص غلام چنین می‌رسد و الا واضح است که عقول ضعیف ما در نزد عقل سلیم ملوکانه نمی‌تواند رأی بدهد.... هر قسم مقرر خواهند فرمود، اطاعت و رفتار شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

جوابیه ناصرالدین‌شاه به این تلگراف بدین مضمون آمده است:

ظل السلطان، این عقیده شما صحیح است؛ همین طور البته دستورالعمل به والی بدهید. عثمانی‌ها گوه می‌خورند که می‌خواهند...^{۱۲} بکنند. شما که حاکم آن صفحات هستید، مسئول دولت هستید که نگذارید یک وجب دول خارجه قدمی پیش گذارند؛ باقی جواب سؤال با دولت است. به شما هیچ حرجی نیست. خیلی زود تلگرافی دستورالعمل والی را همین طور بدهید و این دست‌خط را هم بدهید جناب وزیر خارجه ملاحظه کند (صفائی ۲۵۳۵: ۷۸-۸۰).

حسینقلی خان، پس از دریافت پیغام شاه و شاهزاده قاجار، عده‌ای از سواران ایل ملکشاهی را در سال ۱۲۸۶ ق برای مقابله با تجاوزات عثمانی‌ها و ایجاد ناآرامی در مرزهای عثمانی به ژرباطیه و جمعی از تفنگ‌چیان خود را به مندلی گسیل کرد (گزیده/اسناد سیاسی ایران ۱۳۶۹: ج ۲، ۶۱۴-۶۱۶).

در دوره صدراعظمی سپهسالار و براساس قرارداد استاتوس کو/ استاتوکو بین دو دولت ایران و عثمانی:

قرار رسمی بر این بود که باغسائی و غریبه از طرفین بالکلیه متروک‌الزرع بماند تا قرار کلیه عمل حدود داده شود و همان وقت صیفی و ملخطای در تحت‌زراعت و تصرف ایران بود و اصلاً [عثمانی‌ها] حرفی در آن نمی‌زدند (مُتَمَّا، سند ۴۶۴۸۷ ق: ۲).

البته «وضع ژئوگرافی و طبیعی آن‌جا خود گواهی می‌داد که مُلک ایران است» (مُتَمَّا، سند ۴۶۴۸۷ ق، ۲) و درعمل این والی پشت‌کوه بود که این اراضی و حتی بخشی از محال جَسان، بدره، ژرباطیه، و تُرساق را تحت‌تصرف خود داشته و کشاورزان ایرانی در آن به زراعت می‌پرداختند.

عثمانی‌ها بعد از ادعای مالکیت باغسائی، ادعای مالکیت اراضی حاصل‌خیز صیفی و ملخطاوی را کردند. در سال ۱۲۸۷ ق سپاهیان عثمانی قصد تصرف باغسائی، بیات، و دهلران را داشتند. دولت ایران که نگران این بود که عثمانی‌ها علاوه بر پشت‌کوه به دیگر مناطق سرحدی ایران از جمله دشت زهاب نیز تعرض کنند، از والی پشت‌کوه خواست جلوی آن‌ها را بگیرد و هم‌چنین از حسینقلی خان خواسته شد، علاوه بر جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها به مرز پشت‌کوه، اعراب شورشی دولت عثمانی را به حمله به جَسان، بدره، و مندلی وادار کنند تا زمینه نامنی در قلمرو عثمانی را فراهم سازند (گزیده اسناد سیاسی ۱۳۶۹: ج ۲، ۲۲۳-۲۲۵).

وزیرمختار انگلیس با رد ادعای عثمانی‌ها چنین اظهارنظر کرده است: «در صورتی که سابقاً حرف در غریبه و باغسائی بوده و آن‌طور قرار شده و حرفی در اراضی دیگر نبوده است، چگونه مقدور است در اراضی صیفی و ملخطاوی که این طرف باغسائی در داخله ایران است ایجاد ادعایی بشود» (مُتَمَّا، سند ۶۴۴۸۷ ق، ۲؛ ۶۴۴۸۸ ق، ۳). سفیر روسیه نیز مقامات ایرانی و عثمانی را به ارائه مستندات و دلایل حقانیت حق خود برای تعیین ادعاهای مطرح‌شده فراخواند (مُتَمَّا، سند ۶۴۴۸۸ ق، ۳).

چند سال بعد و در سال ۱۲۹۵ ق عثمانی‌ها مدعی مالکیت بر معادن نمک پشت‌کوه شدند. در جواب این ادعای عثمانی‌ها ناصرالدین‌شاه نامه‌ای به دربار عثمانی نوشت و حق مسلم مالکیت ایران بر معادن نمک پشت‌کوه را خاطر نشان ساخت. او در این نامه مرز ایران و عثمانی را پنج فرسنگ جلوتر از این معادن نمک دانسته و محل معادن نمک پشت‌کوه را در داخل خاک ایران ذکر کرده است (نصیری ۱۳۷۱: ج ۳، ۲۰۲، ۲۰۳؛ اکبری و یاری ۱۳۹۴: ۷۱، ۷۲).

در این دوره اختلافات دامنه‌دار ایران و عثمانی در مورد مناطق مرزی پشت‌کوه شامل اراضی صیفی و ملخطاوی و منطقه باغسائی ادامه داشت (نصیری ۱۳۷۱: ج ۳، ۳۰۸، ۳۱۵). در جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۰ توشمال بلاسم از سران ایل ملخطاوی به هم‌راه برادرش طاهر و چهل تا پنجاه نفر از تفنگ‌چیان این ایل مأمور حمله و غارت بدره و ناامن کردن آن منطقه شدند (گزیده اسناد سیاسی ۱۳۶۹: ج ۲، ۶۸۱، ۶۸۲).

حسینقلی خان، والی پشت‌کوه، در سال ۱۳۰۵ ق اراضی سیدحسن^{۱۳} و باغسائی را تصرف کرد. حسینقلی خان، که در آن دوره دارای توان نظامی رویارویی با عثمانی‌ها بود، عده‌ای از کشاورزان پشت‌کوهی را در اراضی سیدحسن اسکان داد که با اعتراض عثمانی‌ها

همراه بود. عثمانی‌ها که مالکیت والی پشت‌کوه بر اراضی مرزی ایران و عثمانی را برنمی‌تابیدند، در سال ۱۳۱۳ ق در طی نامه‌ای مراتب اعتراض خود را به دولت ایران اعلام کردند، ولی دولت ایران اعتراض عثمانی‌ها را وارد ندانست و اراضی سیدحسن را متعلق به ایران دانست (همان: ۳۲۳، ۳۴۱). ابوقداره هم‌چنین بارها اعراب بدوی مهاجم را که برای غارت و دست‌برد به مرزهای پشت‌کوه هجوم می‌آوردند تا کرانه دجله به عقب راند (رزم‌آرا ۱۳۲۰: ۱۰۷؛ اسدی ۱۳۹۶: ۶۲).

سرحد پشت‌کوه در دوره والی‌گری حسینقلی‌خان ابوقداره به واسطه بهره‌گیری او از قدرت نظامی ایلات و عشایر منطقه در آرامش نسبی به سر می‌برد. حسینقلی‌خان، علاوه بر بازپس‌گیری معادن نمک دشتلگ، تاریکه، و داوته از عثمانی‌ها، اراضی صیفی و ملخطای و منطقه باغسائی را در قلمرو ایران حفظ کرد.

۵.۴ وضعیت مرزهای پشت‌کوه در عهد غلامرضاخان فیلی

غلامرضاخان والی در سال ۱۳۱۸ ق و پس از مرگ پدرش، حسینقلی‌خان، از سوی مظفرالدین‌شاه قاجار جانشین وی شد. مرگ حسینقلی‌خان و روی‌کارآمدن غلامرضاخان در پشت‌کوه، والی بغداد را به فکر ضمیمه کردن مناطق حاصل‌خیز پشت‌کوه و دست‌یابی به تمامی منابع آبی مرزهای غربی ایران در این منطقه انداخت. در سال اول والی‌گری غلامرضاخان عثمانی‌ها از مسیر رودخانه گنگیر به مناطق سومار و ایوان کلهر تجاوز کردند و اموال، دارایی، و محصولات کشاورزی مردم را غارت کردند و خسارت زیادی را به بار آوردند. علاءالملک در گزارش‌های سیاسی خود یادداشتی به‌خط میرزا نصرالله‌خان نائینی (مشیرالدوله)، وزیرخارجیه، آورده و در این‌باره چنین نوشته است: «چرا عثمانی‌ها چنین اقدامی بی‌مقدمه کردند و قشون دولتی به خاک ایوان کرمانشاهان فرستاده و به‌صدد خسارت به سکنه سومار برآمدند» (صفائی ۱۳۵۲: ۱۵۱، ۱۵۲).

چهار سال بعد و در سال ۱۳۲۲ ق عثمانی‌ها این‌بار به قلعه خان احمدخان کلهر در ایوان غرب و نواحی مندی هجوم آوردند و تمامی محصولات کشاورزی مردم ساکن در مرزهای ایران را به‌آتش کشیدند و حتی آب را بر مردم منطقه بستند. در گزارش‌های مأموران ایران در خانقین و قصر آمده است که تعدی و شدت‌عمل عثمانی‌ها به‌حدی بوده است که مردم ناچار به مهاجرت اجباری و پنهان‌شدن از مأموران و سپاهیان متجاوز عثمانی شده‌اند و درصدد آن بوده‌اند که به اراضی والی پشت‌کوه نیز تجاوز کنند

(اسدی ۱۳۹۶: ۴۷۵، ۴۷۶؛ بنگرید به پیوست‌ها، سند ۱ و ۲). چنین به نظر می‌رسد که هدف عثمانی‌ها از چنین حملات پردامنه‌ای کوچاندن اجباری عشایر مرزهای غربی ایران و جای‌گزین کردن آنان با عشایر عرب ساکن در عثمانی بوده باشد.

تجاوزهای گسترده عثمانی‌ها برای نامنی در مرزهای غربی ایران، که کوچ و مهاجرت اجباری عشایر منطقه را به دنبال داشت، در سال‌های بعد نیز ادامه یافت (استادوخ، سند ۴۱-۳/۲-۵-۱۳۲۳ ق). در سال ۱۳۲۶ ق و در اوج مبارزات مجاهدان و آزادی‌خواهان با سلطنت استبدادی محمدعلی شاه نیروهای دولت عثمانی با استفاده از شرایط نابه‌سامان داخلی ایران با قوایی متشکل از دو هنگ مجهز به توپ‌خانه با هدف غارت محصولات کشاورزان صیفی، ملخطاوی، و باغسائی به این منطقه حمله کردند. غلامرضاخان، والی پشت‌کوه، عده‌ای تفنگ‌چی و افراد محلی^{۱۴} را به سرکردگی جوادخان سرهنگ، پسر عموی خود، برای جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها اعزام کرد. این نیروها جمع‌کثیری از عثمانی‌ها را کشتند و چند نفر را به اسارت گرفتند. از این تاریخ به بعد غلامرضاخان والی عده‌ای تفنگ‌چی را در سرحدات مهران، چنگوله، و دهلران در مرز عثمانی و مسیر تجاوز آن‌ها گمارد (غلامرضاخان فیلسی ۱۳۸۴: ۲۲۳، ۲۲۴؛ رزم‌آرا ۱۳۱۰: ۱۰۵-۱۰۷؛ بنگرید به پیوست‌ها، سند ۳). به این ترتیب، تا قبل از جنگ جهانی اول و تعیین مرزها تجاوز چشم‌گیری از سوی عثمانی‌ها به خاک ایران در منطقه پشت‌کوه صورت نگرفت و حتی در هنگام تعیین حدود مرزی در سال ۱۹۱۴ م باغسائی، که از آب رودخانه چنگوله آبیاری می‌شد، به غلامرضاخان والی به‌عنوان ملک شخصی واگذار شد (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۱۶۱). منابع محلی به نقش و حضور گسترده رؤسا و سران ایلات و طوایف پشت‌کوه از جمله حاج فرامرز اسدی سرتوشمال و رئیس ایل ملکشاهی، ملک‌حسین عبداللهی، شاه‌محمد یاری، حسین خلقتی، رضا فرزند قنبریگ تفنگ‌چی‌باشی، قادرخان سلیمان‌نژاد، و... در این نبرد و تقویت سپاهیان والی پشت‌کوه اشاره کرده‌اند (درخشنده ۱۳۹۴: ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۷-۱۴۰، ۲۱۱؛ رفعتی ۱۳۸۶: ۳۵، ۲۸۶، ۳۲۴، ۳۳۵؛ محمدزاده ۱۳۸۹: ۸۰، ۸۱، ۱۰۲).

درخشنده با اشاره به وجود اختلافاتی بین ایل ملکشاهی با والی پشت‌کوه و ایل دیوالای در آن زمان به پیش‌نهاد حاج فرامرز اسدی برای اتحاد ایلات و طوایف و رفع کدورت‌ها تا پایان نبرد خارجی با عثمانی‌ها اشاره کرده است و چنین می‌نویسد:

... وقتی حسین [خلقتی] با توشمال فرامرز مواجه می‌شوند، توشمال فرامرز به حسین می‌گوید حالا که به‌سوی منطقه موردنظر به‌منظور انجام مأموریت در حرکت هستیم،

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۲۵

پس تمامی دشمنی‌های بین خود را کنار می‌گذاریم و برادرانه در این نبرد شرکت می‌کنیم؛ ضمناً وقتی از این نبرد برگشتیم، دوباره باهم دشمن هستیم (درخشنده ۱۳۹۴: ۱۳۹).

چنین وقایعی نشان از اتحاد و یک‌دلی عشایر پشت‌کوه با وجود اختلافات داخلی در برابر تجاوزات بیگانگان داشته است که نتیجه آن حفظ سرحدات این منطقه با وجود حملات گسترده عثمانی‌ها بوده است.

در دوران جنگ جهانی اول غلامرضاخان والی، که همانند اکثر رجال ایران از هواخواهان آلمان به‌شمار می‌رفت (سپهر ۱۳۶۲: ۳۳۴)، امنیت هنگ ششم ژاندارمری را تأمین کرد که فرمان‌دهی آن را محمودخان برعهده داشت و از مسیر اصفهان، گلپایگان، بروجرد، خرم‌آباد، پشت‌کوه، و زهاب عازم قصرشیرین بود که مرکز تجمع قوا بود (مهدی‌نیا ۱۳۶۹: ج ۴، ۶۳۳).

پس از استقرار دولت موقت ملی در کرمانشاه به‌ریاست نظام‌السلطنه (شمیم ۱۳۸۴: ۵۶۸)، سیاست‌مداران این دولت سعی در ترغیب غلامرضاخان والی به جانب‌داری از سیاست‌های آلمان و عثمانی و مقابله با روسیه و انگلستان داشته‌اند. مذاکرات فراوانی در جلسات دولت موقت از جمله جلسه پانزدهم مورخ ۲۵ شوال ۱۳۳۴، جلسه ۲۲ مورخ ۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۴، و جلسه ۲۳ مورخ ۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۴ برگزار شد و درنهایت میرزا علی‌محمد دولت‌آبادی مسئول مذاکره با والی پشت‌کوه شد و توانست رضایت او را برای اتحاد با دولت موقت و دولت عثمانی جلب کند (اتحادیه ۱۳۷۹: ۴۹، ۵۰، ۹۴). اهمیت سرحد پشت‌کوه برای دولت موقت سبب شد که پس از برگزاری جلسه ۳۶، مورخه ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۴، یک بار دیگر دولت‌آبادی در تاریخ دهم محرم ۱۳۳۵ مأمور تجدید و تقویت این اتحاد با والی پشت‌کوه شود (همان: ۶۳-۶۵، ۹۳، ۹۴، ۱۴۳، ۱۴۴).

باتوجه به متن صورت‌جلسه ۸۴ دولت موقت، به‌تاریخ ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۳۵، چنین به‌نظر می‌رسد که، علاوه بر اهمیت سرحد پشت‌کوه برای جلوگیری از نفوذ بیگانگان، اعضای دولت موقت و شخص نظام‌السلطنه در پی این بودند که در صورت شکست از مناطق صعب‌العبور و کوه‌های پشت‌کوه به‌عنوان پناهگاهی امن استفاده کنند (همان: ۲۰۹).

براساس توافق با دولت موقت غلامرضاخان والی برای جلوگیری از نفوذ انگلیسی‌ها به پشت‌کوه، سرحدات غربی را مستحکم و دوازده تا سیزده‌هزار نیرو را در مرزهای غربی مستقر کرد (اکبری و یاری ۱۳۹۴: ۷۵، ۷۶). در این زمان دسته‌ای از نیروهای روسی، که از

طریق پشت‌کوه قصد پیوستن به نیروهای انگلیسی در کرکوک و عماره را داشتند، توسط سواران پشت‌کوهی نابود شدند. امیراحمدی در خاطرات خود با اشاره به این موضوع که با سیاست خود توانسته است مانع از حمله روس‌ها به پشت‌کوه شود، از این حمله والی به نیروهای اسکادران روسی خبر داده است (امیراحمدی ۱۳۷۳: ۱۰۴-۱۰۶). نوراللهی با رد دخالت نیروهای والی پشت‌کوه در حمله به روس‌ها این اقدام را یک عملیات کاملاً مردمی برضد متجاوزان روسی دانسته و ایلات و عشایر ساکن در حوزه شمالی پشت‌کوه (خزل، ریزه‌وند، و بیجنوند) را عامل این حمله معرفی کرده است (نوراللهی ۱۳۹۹: ۱۴۳-۱۴۶، ۱۵۲). پس از انقلاب ۱۹۱۷ در روسیه و روی کارآمدن بلشویک‌ها، انگلستان در پی ایجاد کمربند امنی برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم در ایران بوده است و در پشت‌پرده اتحاد سه‌جانبه والی پشت‌کوه، شیخ‌خزعل، و بختیاری‌ها سیاست انگلستان به چشم می‌خورد (مجد ۱۳۸۹: ۳۱۰-۳۱۲، براساس گزارش موری، شماره ۶۵۷، ۱۳۰۳/۸۹۱.۰۰، ۲۴ سپتامبر ۱۹۲۴). این سیاست انگلستان در تلگرافی از سِر پرسی سایکس به مستر مونتگومری، وزیر امور هندوستان در کابینه بریتانیا، به وضوح دیده می‌شود (شیخ‌الاسلامی ۱۳۷۷: ج ۳، ۱۹۹، ۲۰۰). غلامرضاخان فیلی، که در اواخر دوران والی‌گری خود سیاست محافظه‌کارانه‌ای را در پیش گرفته بود، پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ش و روی کارآمدن رضاخان خطر قریب‌الوقوعی را پیش‌بینی کرده بود که این امر نیز با پادشاهی رضاشاه پهلوی در سال ۱۳۰۴ ش و سقوط سلسله قاجاریه به حقیقت پیوست. والی پشت‌کوه آخرین حربه سیاسی خود را با تجدید پیمان خود با شیخ‌خزعل و تشکیل کمیته قیام سعادت انجام داد (بهار ۱۳۷۱: ج ۲، ۱۴۶)، اما سرانجام ناگزیر به ترک پشت‌کوه و پناهنده‌شدن به خاک عراق در سال ۱۳۰۷ ش و سکونت در ملک شخصی خود در منطقه باغسائی شد (همان: ۱۶۸).

با مرگ غلامرضاخان، آخرین والی پشت‌کوه، منطقه باغسائی که براساس تحدید حدود سال ۱۳۳۲ ق ایران و عثمانی و پس‌از آن کمیسیون فنی سال ۱۳۳۳ ق از ایران جدا و به عثمانی واگذار شده و با پافشاری غلامرضاخان والی به‌عنوان ملک شخصی او در نظر گرفته شده بود (استادوخ، سند ۱۸-۱-۴۵-۱۳۳۸ ق؛ بصیرت‌منش و مرادی‌مقدم ۱۳۹۸: ۲۳، ۲۴؛ کوهستانی‌نژاد ۱۳۸۳: ۳۳)، عملاً از خاک ایران جدا و ضمیمه کشور تازه‌تأسیس عراق شد.

۵. نتیجه‌گیری

تلاش ایلات و طوایف ساکن در دو سوی مرزهای ایران و عثمانی برای دست‌یابی به منابع آبی/ رودخانه‌ای گنجانچم، گاوی، و چنگوله، تلاش والیان پشت‌کوه و پاشای بغداد برای دست‌یابی به معادن نمک پشت‌کوه و معادن نمک محال جَسان، بدره، ژرباطیه، و تُرساق، عدم تعیین دقیق مرزهای ایران و عثمانی در پشت‌کوه به‌خصوص در اراضی حاصل‌خیز صیفی و ملخطاوی، و همچنین اختلاف بر سر منطقه باغسائی از جمله مهم‌ترین علل و عوامل زمینه‌های بروز درگیری‌ها و کشمکش‌های مرزی ایران و عثمانی و تغییر و تحولات صورت‌گرفته در سرحد پشت‌کوه بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که مرزهای غربی ایران در سرحد پشت‌کوه که براساس عهدنامه زهاب در سال ۱۰۴۹ ق تعیین شده بود و باوجود انعقاد عهدنامه‌های مرزی در دوره‌های بعدی بدون تغییر باقی مانده بود، شاهد تحولات نسبی در عصر قاجار بود و والیان پشت‌کوه با اتکا به نیروهای ایلات و طوایف منطقه مانع از جدایی مناطق استراتژیک سرحد پشت‌کوه شدند. در دوره والی‌گری حسن خان سرحدات پشت‌کوه در آرامش به سر می‌برد و قدرت نظامی حسن خان، والی و صاحب‌اختیار سرحدات عراقین عرب و عجم، عثمانی‌ها را از تعرض به سرحد پشت‌کوه بازمی‌داشت و قلمرو جغرافیایی ایران بخشی از محال جَسان، بدره، ژرباطیه، و تُرساق در خاک عثمانی را در بر می‌گرفت.

در دوره حکومت مشترک والیان سه‌گانه (علی‌خان، احمدخان، و حیدرخان) باوجود فرازونشیب‌هایی مناطق فوق‌الذکر در قلمرو ایران باقی ماندند، اما در دوره والی‌گری کوتاه‌مدت عباسقلی خان به واسطه ضعف او منطقه باغسائی و معادن نمک پشت‌کوه از حوزه قلمرو ایران خارج شدند و تحت مالکیت عثمانی‌ها درآمدند. در این دوره و در دوره والی‌گری والیان سه‌گانه به سبب مالیات‌های سنگین و کشمکش‌های والیان بر سر جانشینی و خشک‌سالی‌های ناشی از مصادره آب رودهای مرزی گنجانچم، گاوی، و چنگوله توسط عثمانی‌ها در دوره والی‌گری عباسقلی خان شاهد مهاجرت بی‌رویه و کاهش چشم‌گیر جمعیت پشت‌کوه بوده‌ایم.

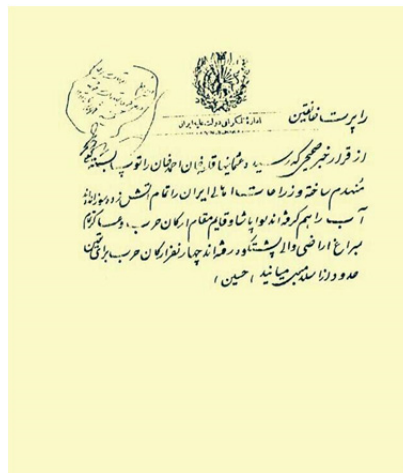
در دوران والی‌گری حسینقلی خان ابوقداره و فرزندش غلامرضاخان فیلی که شناخته‌شده‌ترین والیان پشت‌کوه به‌شمار می‌روند، اراضی صیفی و ملخطاوی، منطقه باغسائی، معادن نمک پشت‌کوه، و بخشی از محال جَسان، بدره، ژرباطیه، و تُرساق عثمانی در حوزه قلمرو ایران جای داشتند و همچنین آن‌ها در بهره‌گیری از سهم آب رودخانه‌های مرزی موفق عمل کردند. هم‌زمان با جنگ جهانی اول و پس‌از آن تا روی کارآمدن حکومت

پهلوی با وجود سیاست محافظه کارانه غلامرضاخان، آخرین والی پشت کوه، و حضور قدرت‌هایی هم‌چون روسیه، انگلستان، آلمان، و عثمانی در این منطقه مرزهای غربی ایران در سرحد پشت کوه بدون تغییر باقی ماندند و سرانجام با روی کار آمدن رضاشاه پهلوی و با پناهنده شدن آخرین والی پشت کوه به عراق، منطقه باغسائی که ملک شخصی او محسوب می‌شد، ضمیمه خاک عراق شد و در پی آن نفوذ سیاسی ایران بر محال جَسان، بَدَره، ژرباطیه، و تُرساق عثمانی نیز از بین رفت.



نمودار ۴. تحولات مرزهای غربی پشت کوه در عصر قاجار

پیوست‌ها

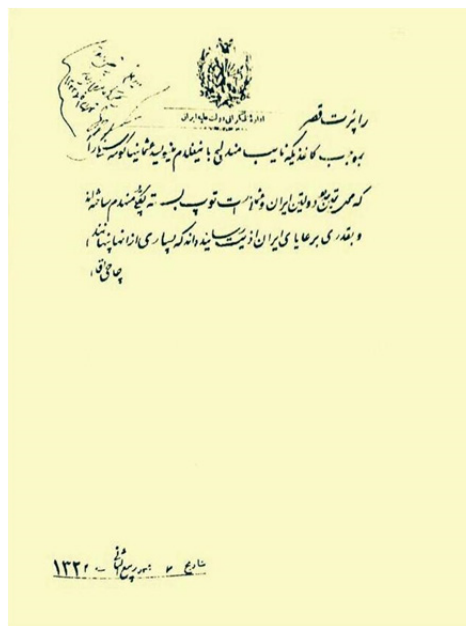


سند ۱. رأی‌رست خانقین؛ اداره تلگراف دولت علیه ایران (اسدی ۱۳۹۶: ۴۷۶).

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۲۹

از قرار خبر صحیحی که رسید عثمانی‌ها قلعهٔ خان احمدخان را به توپ بسته، قلعه را منهدم ساخته، زارعت اهالی ایران را تمام آتش زده، سوزانده‌اند، آب را هم گرفته‌اند. پاشا و قائم‌مقام ارکان حرب و عساکر تمام به سراغ اراضی والی پشت‌کوه رفته‌اند. چهار نفر ارکان حرب برای تعیین حدود از اسلامبول می‌آیند (حسین).

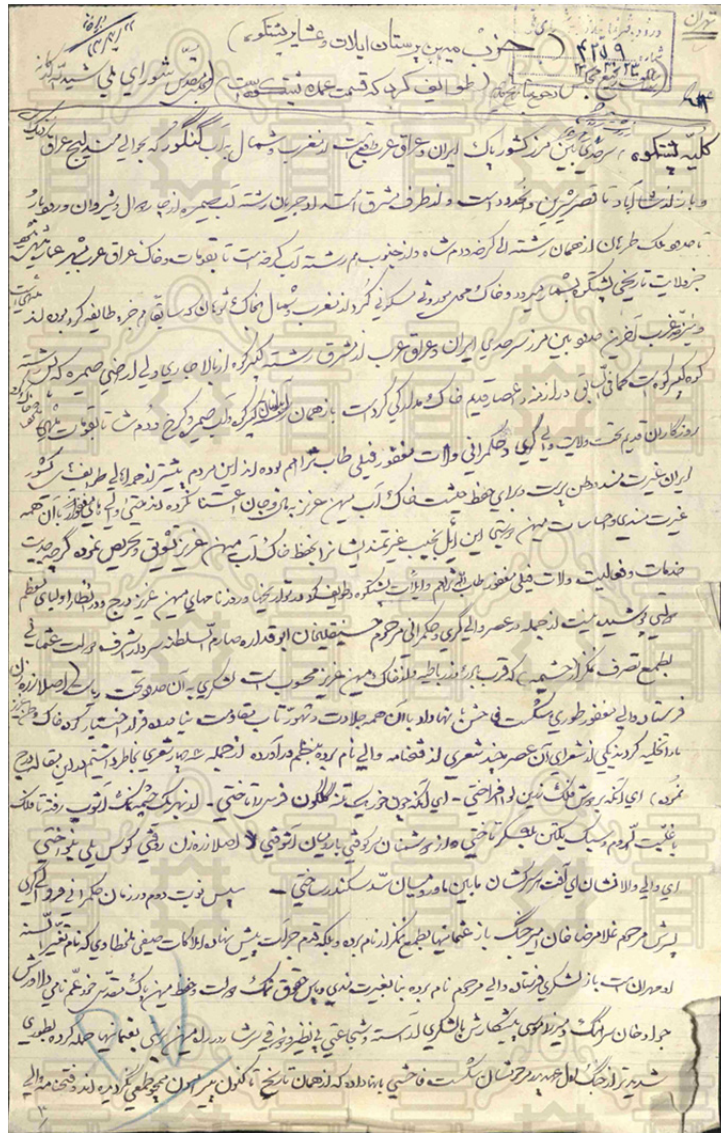
به تاریخ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ ق



سند ۲. راپرت قصر؛ ادارهٔ تلگراف دولت علیهٔ ایران (اسدی ۱۳۹۶: ۴۷۶).

به‌موجب کاغذی که نایب مندلیج (مندلی) به این غلام می‌نویسد، عثمانی‌ها کوسه‌سنگی که محل تعیین حدود دولتین ایران و عثمانی است توپ بسته به کلی منهدم ساخته‌اند و به‌قدری به رعایای ایران اذیت رسانیده‌اند که بسیاری از آن‌ها پنهانند (چاحی‌آقا)

به تاریخ ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۲ ق



سند ۳. بخشی از نامه حزب میهن پرستان ایلات و عشایر پشت کوه (طوائف گرد) به مجلس شورای ملی در خصوص مرزداری و خدمات خود به ایران در تاریخ خردادماه ۱۳۲۳؛ در این نامه به نبردهای والیان فیلی و ایلات و عشایر پشت کوه با عثمانی ها اشاره شده است (کِمَام، سند ۱۴۵۱/۳۳/۱/۸۵).

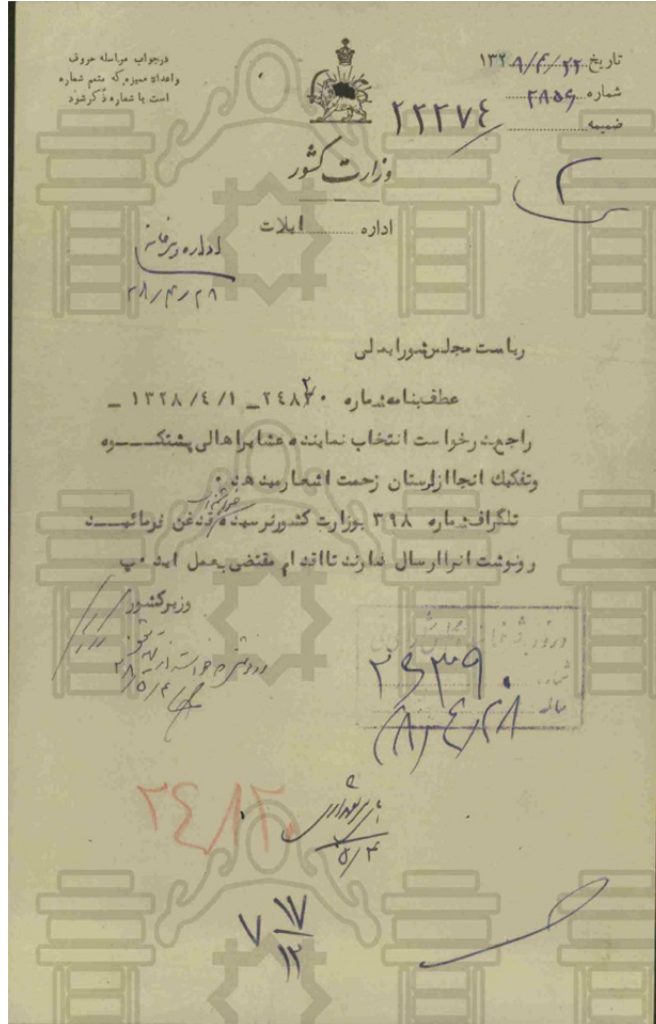
کتابخانه مجلس شورای ملی
شماره کتاب: ۴۴۱۲
تاریخ: ۱۳۲۲

وزارت پست و تلگراف
تلگرافی

تهران	شماره	۵۰۵۶	تعداد کتبه	۷۵۰	تاریخ اصل	۳۱	توضیحات	تاریخ وصول	روز	ماه	۲/۳۱
به ط	تلگراف										

ساحت مقدس مجلس شورای ملی رونوشت جناب آقای نخست وزیر رئیس محترم هیئت دولت رونوشت وزارت کشور در این موقع که با صدور فرمان مجلس - موسسان از طرف بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاهین تاجدار محبوب - و جوانبخت طلیعه اصلاحات نمودار شده چنان نثاران عشایر و اهالی پشتکوه که مرداران کشور شاهنشاهی و بیش از دوست هزار نفر میباشیم با گواهی تاریخ محصوفا در مدت ۲۰ سال سلطنت شاهنشاه نقید پهلوی کبیر و ۶ سال جنگ عالم گیر گذشته شاه دوستی و میهن پرستی خود را بنامه ظهور رسانیده و در هر موقع دوشین مدوتن ارتش دلیور با دشمنان کشور جنگیده و با هرگز گت - فساد مبارزه کرده و میکنند در نتیجه امیدوار بودیم که آزمایشی آزادی این کشور - ~~تعمیر و بازسازی این کشور را بر عهده دولت بگذارند~~ لوی شاهنشاه جوانبخت و مجلس شورای ملی که نگهبان حقوق ملت میباشند بر خود ابر خواهیم بود. متاسفانه رویه اصل تقسیمات قلمرو و اعمال نفوذ لرستان ۲۰۰ هزار عشایر و اهالی پشتکوه از حق قانونی محرم و پشتکوه را در موقع -

باسازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بمکاری کنید



شماره کتاب کبرنده

سال ۱۳۲۲

وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلگراف

تاریخ وصول روز ماه	توضیحات	تاریخ اصل	تعداد کلمه	فیض		از تهران شماره	به ط
				تلگراف	شماره		
				۳۱۸			

کردیده است حاج شیخزاد عبداللہی رئیس انجمن شهرداری حاج یعقوب -
 قطامی رئیس ایل ترهان حاج فرامرز اسدی رئیس ایل ملکشاھی تونمال کریم -
 طهماسبی رئیس ایل شکرک کرد توشمال شاه محمد خسرو رئیس ایل بدره توشمال
 محمود خان مولائی رئیس ایل بدره توشمال قتل داود طهماسبی رئیس ایل کرد -
 توشمال نامدار رحیمی دهدار ملکشاھی کدخدا شهباز عزیز ملکشاھی کدخدا -
 محمد خان قبادی بدره جواد قبادی ایل بدره نبیان زرین جوشی بدره مشهدی -
 جوانمرد گری ترهان کدخدا صید میرزا بدره احمد یار احمدی بدره توشمال -
 شاه محمد کشتورز رئیس ایل میش خاص توشمال امین میش خاص کدخدا باباخان -
 هند مینی کدخدا یوسف شیباسی ترهان کدخدا ثبت ملکی ترهان کدخدا عزیز -
 صادقی ترهان کدخدا رضا حسینی ترهن کدخدا ازان رحمانی ترهان کدخدا
 محمد کریمی ترهان قطاس قطاسی دهار ترهان احمد قطاسی ترهان کدخدا -
 نیازاصغری کرد کدخدا علی بک فرهدی کرد کدخدا طباطبائی فیض الہی ارکوازی
 کدخدا اصغر بیسلی ایل ارکوازی توشمال حبیب بہادری نجستون کدخدا نامدار

باسازمان شہنشاہی خدمات اجتماعی بیکاری لینڈ

۱-۳

شماره کتاب کپی شده

سال ۱۳۲۲

وزارت پست و تلگراف و تلفن
تلسگرافی

از تهران شماره	به ط	نوع	نماد کلمه	تاریخ اصل	توضیحات	تاریخ وصول	
						روز	ماه
۳۱۸	تلگراف						

پسامی کدخدا حیدر ایل اوکوازی. توشمال عبدالحمید گنجی ملکبای کدخدا
شهراد جهانی پهلکوی ملکبای توشمال فرید کلاه ابادی ایل شروان توشمال
سرویس کلاه ابادی توشمال غضبان خسروی رئیس ایل ملحقانوی تهران رئیس
حسین هوری رئیس ایل صفی تهران کدخدا علی اکبر رئیس ایل در کوش تهران
میرزا علی قطایی توشمال حیات اله مراد خانی رئیس ایل کرد توشمال سرهنگ
رئیس ایل سلیمانی کرد پنج جهانگیر رئیس ایل رودباری عبدالله عنایتی محمد -
احمدی پور ایلای رستم رفعتی ایلای جوانگر بخجاری ایلای حسین علی رفعتی
ایلای توشمال عزیز تاختنیزی رئیس ایل دیناروند قاید همت دیناروند قاید علی
اکبر دیناروند کدخدا نور علی ایل بالوی یحیی ازادی ایلای ابراهیم نووالمسی
ایلای امان اله ترهانی ایلای اکبر نصیبی ایلای سلمان نصری ایلای محمود
هوانسان ایلای محمد شریف زجیبی نژاد احمد حیدری کدخدای ایل زرین اباد
سید برلی رحیمی کدخدای باو! خدیوید ناصرالدین بهار عبدالعزیز ایلای -
یوسف علی یکی ایلای توشمال داود کریمی رئیس ایل دوسان توشمال باقر کریمی

باسازمان شاهشاهی خدمات اجماعی بجکاری لوند

سند ۴. درخواست رؤسا و سران ایلات و طوایف پشت کوه برای جدایی از لرستان و تفکیک حوزه انتخابیه ایلام از خرم آباد از تاریخ ۳۱ اردیبهشت لغایت ۲۴ مرداد ۱۳۲۸؛ در این سند به مرزداری و میهن پرستی ایلات و طوایف پشت کوه به صراحت اشاره شده است (کمام، سند ۱۵/۱۰۴/۱۷/۱۲/۷، شامل ۱۰ برگ و ۳ نامه).

پی نوشتها

۱. باوجودی که بدره (محل سکونت ایل بدره‌ای/ بیری شامل طوایف علیشروان، قیطول، دوستان، هندمینی، و زرانگوش) در شرق کبیرکوه واقع بود، به دلیل سهولت دسترسی به این منطقه و براساس اسناد به جای مانده از توشمالان و بزرگان این ایل در تقسیمات سیاسی-اداری جزء حوزه پشت کوه محسوب می شده است (اسدی ۱۳۹۶: ۷۳۵-۷۴۹؛ بنگرید به پیوستها، سند ۴).

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۳۵

۲. شهر ایلام کنونی در گذشته رذ و ده‌بالا نامیده می‌شد که در عصر قاجار به دلیل حکومت و ساخت‌وسازهای حسینقلی خان ابوقداره، والی پشت‌کوه، به حسین‌آباد معروف شد (اسدی ۱۳۹۶: ۱۵۳؛ رفعتی ۱۳۸۶: ۳۴).
۳. منطقه‌ای در کشور عراق بین ژرباطیه و مندلی (مشیرالدوله ۱۳۴۸: ۱۰۰). در ۹/۱ کیلومتری مرز ایران و ۷۸۰ متری غرب جاده آسفالتة مندلی به در تپه‌ای با نام تُرساق وجود دارد که احتمالاً سلیمان‌تپه از محوطه‌های باستانی تمدن ایلام باستان است (زینی‌وند و شریفی ۱۳۹۸: ۲۷).
۴. طوایف صیفی و ملخطوای از طوایف ساکن در شهرستان مهران استان ایلام در منتهی‌الیه مرزهای غربی ایران هستند (اسدی ۱۳۹۶: ۳۹۷-۴۰۶).
۵. رشته‌کوه حمرین (بارما) به دو شاخه حمرین شمالی (از شمال‌غربی مندلی در استان دیاله تا شمال استان صلاح‌الدین و جنوب استان کرکوک) و حمرین جنوبی (از جنوب مندلی تا جلگه خوزستان) تقسیم می‌شود (اله‌اشمی ۱۹۳۶: ۳۵، ۳۶).
۶. از بناهای حسین‌خان والی فیلی.
۷. منطقه‌ای واقع در شهرستان چوار استان ایلام.
۸. رهبری و ریاست در ایلات بزرگ پشت‌کوه موروثی و برعهده عالی‌جاه‌توشمال یا میرتوشمال/سرتوشمال/ رئیس ایل/ خان بوده است که از طرف شاه و حکومت مرکزی منصوب می‌شد. گاهی این مقام و منصب بین دو برادر تقسیم می‌شد. هم‌چنین، در یک ایل احتمال حضور چند توشمال منصوب‌شده از طرف والی پشت‌کوه یا حکومت مرکزی برای مشورت و تصمیم‌گیری در امور ایل وجود داشت که این توشمالان هنگامی که ایل رهبری و ریاست واحدی داشت، در زیرنظر رئیس ایل قرار می‌گرفتند. والی پشت‌کوه حق اعطای عنوان خانی و خطاب عالی‌جاهی را به سران ایلات و طوایف منطقه نداشت و همین امر رقابت و تنش‌هایی را میان خوانین منطقه و والی پشت‌کوه به وجود می‌آورد. سرپرستی طوایف نیز برعهده کدخدا بود که در زیرنظر عالی‌جاه‌توشمال قرار داشتند. در ایلات و طوایف کوچک‌تر کدخدا در رأس امور قرار داشت (اسدی ۱۳۹۶: ۴۲۹، ۴۳۰؛ بنگرید به پیوست‌ها، سند ۴).
۹. رود دویرج به طول ۱۸۸ کیلومتر از سراب آبدانان در شهرستان آبدانان استان ایلام سرچشمه گرفته و بعد از عبور از شهرستان دهلران وارد خاک عراق شده به رود دجله می‌ریزد (افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۵۶).
۱۰. کوه اناران واقع در شمال‌غربی دهلران استان ایلام (رزم‌آرا ۱۳۲۰: ۱۴؛ افشار سیستانی ۱۳۷۲: ۴۵).
۱۱. رودخانه کانی‌شیخ از رودهای مرزی ایران واقع در شهرستان چوار استان ایلام که به خاک عراق می‌ریزد.

۱۲. ناخوانا.

۱۳. امامزاده سیدحسین، برادر امام رضا (ع) و از فرزندان موسی بن جعفر (ع) واقع در سه کیلومتری جنوب شرقی شهر مهران.

۱۴. تعداد سپاهیان اعزامی به این نبرد سه تا چهارهزار نفر و محل جنگ، تپه‌های رضاآباد مهران ذکر شده است (غلامرضاخان فیلی ۱۳۸۴: ۲۲۳، ۲۲۴).

کتاب‌نامه

- ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمان بن محمد (۱۳۸۳)، *العبر؛ تاریخ ابن خلدون*، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۳، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ابن فقیه همدانی، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق (۱۳۴۹)، *مختصرالبلدان؛ بخش مربوط به ایران*، ترجمه ح. مسعود، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۷۹)، *رضاقلی خان نظام‌السلطنه؛ صورت‌جلسات هیئت دولت مهاجرت، پژوهش و بازنویسه منصوره اتحادیه*، تهران: تاریخ ایران.
- احتشامی، منوچهر (۱۳۸۳)، *خوزستان و لرستان در عصر ناصری؛ به روایت فرمان‌های ناصرالدین‌شاه، مکاتبات امیرکبیر و میرزا آقاخان نوری با احتشام‌الدوله*، به کوشش آزیتا لقایی و فاطمه معزی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- استادوخ (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه)، سند ۱۴-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۲۴-۲-۱۰-۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۷-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۸-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۶۵-۲-۱۰-۱۲۸۰-۱۲۷۹ ق؛ ۴۱-۳/۲-۵-۱۳۲۳ ق؛ ۸-۲۴-۱۳۲۸ ق؛ ۱۸-۱-۴۵-۱۳۳۸ ق.
- استارک، فریامادلین (۱۳۶۴)، *سفری به دیار الموت، لرستان، و ایلام*، ترجمه علی محمد ساکی، تهران: علمی.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۰)، *فرهنگ تطبیقی گویش کردی ایلامی با زبان ایرانی میانه (پهلوی اشکانی، پهلوی ساسانی)؛ به‌انضمام تاریخ و زبان استان ایلام قبل از اسلام*، ایلام: جوهر حیات.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۵)، «فتح‌نامه ایل ملکشاهی»، *انجمن تاریخ محلی ایران و فصل‌نامه آموزش تاریخ*، س ۱۸، پیاپی ۶۳.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۶)، *با ایلامیان در ایلام: شناخت اقوام، ایلات، طوایف، و خاندان‌های استان ایلام*، ایلام: جوهر حیات.
- اسدی، علیرضا (۱۳۹۹)، «جغرافیای تاریخی ایالات ماسبدان و مهرجانقذق در دوران خلفای اموی»، *جندی‌شاپور*، س ۶، پیاپی ۲۲.

تحولات مرزی سرحد پشت‌کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۳۷

اعتمادالسلطنه، محمدحسن صنیع‌الدوله (۱۳۶۳)، *تاریخ منتظم ناصری*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب.

افشار سیستمی، ایرج (۱۳۸۰)، *ایلام و تمدن دیرینه آن*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
اکبری، مرتضی و سیاوش یاری (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر مناقشات مرزی ایران با عثمانی و عراق در نوار مرزی ایلام»، فصل‌نامه مطالعات تاریخ انتظامی، دوره ۲، ش ۵.
امیراحمدی، احمد (۱۳۷۳)، *خاطرات نخستین سپهبد ایران*، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.

اوتر، ژان (۱۳۶۳)، *سفرنامه ژان اوتر عصر نادرشاه*، ترجمه علی اقبالی، تهران: جاویدان.
بارتولد، ویلهلم (۱۳۰۸)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور (طالب‌زاده)، تهران: اتحادیه.

بصیرت‌منش، حمید و مراد مرادی‌مقدم (۱۳۹۸)، «اختلاف ایران و عثمانی بر سر شهر باغسائی»، *گنجینه اسناد*، س ۲۹، پیاپی ۱۱۴.

بویل، جی. آ. (۱۳۷۱)، *تاریخ ایران کمبریج؛ از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان*، ترجمه حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.

بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا) (۱۳۷۱)، *تاریخ مختصر احزاب سیاسی*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
تحقیقات سرحدیه، نسخه خطی، نوشته میرزا جعفرخان مشیرالدوله حسینی تبریزی (جعفر بن محمدتقی)، کتابخانه مجلس، IR10-35120، ش بازیابی ۱/۲۷۷۵، محل و ش بازیابی: ۱۱۲۸۸۹.

ترکمان، اسکندریگ منشی (۱۳۷۷)، *تاریخ عالم‌آرای عباسی*، به تصحیح محمداسماعیل رضوانی، ج ۲، تهران: دنیای کتاب.

خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، ج ۱، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

درخشنده، صیدمحمد (۱۳۹۴)، *دیوالا؛ از ادوار کهن تا عصر پهلوی*، ایلام: مؤلف.
دمورگان، ژاک (۱۳۳۸)، *هیئت علمی فرانسه در ایران؛ مطالعات جغرافیائی*، ترجمه و توضیح کاظم ودیعی، ج ۱، تبریز: چهر.

دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۵۴)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۸۴)، *تاریخ ایران باستان*، ترجمه روحی ارباب، تهران: علمی و فرهنگی.

- راد، ناصر (۱۳۷۴)، تاریخ سرزمین ایلام: از روزگار باستان تا انتقراض والیان لرستان و ایلام، تهران: ارغنون.
- راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون: گذر از زهاب به خوزستان، ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: آگاه.
- رزم‌آرا، علی (۱۳۲۰)، جغرافیای نظامی پشت‌کوه، بی‌جا: بی‌نا.
- رفعتی، رستم (۱۳۸۶)، انسب شهری و عشایری استان ایلام، ایلام: برگ‌آذین.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۸)، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، تهران: امیرکبیر.
- زکی‌بیگ، محمدمین (۱۳۸۱)، زیاده تاریخ کرد و کردستان، ترجمه یدالله روشن اردلان، ج ۲، تهران: توس.
- زینی‌وند، محسن و فرشته شریفی (۱۳۹۸)، «سلیمان‌تپه، تل‌بکسایه، و سبغات کهریز (تلاش برای یافتن سه محوطه نخست ثبتی آثار ملی ایران)»، مطالعات باستان‌شناسی پارسه، س ۳، ش ۹.
- ساروی، محمدفتح‌الله‌بن محمدتقی (۱۳۷۱)، تاریخ محمدی؛ احسن‌التواریخ، به‌اهتمام غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: امیرکبیر.
- ساکي، علی محمد (۱۳۸۴)، «انیس‌المسافر نوشته غلامرضاخان والی پشت‌کوه»، فرهنگ ایران‌زمین، ش پیاپی.
- سال‌نامه آماری استان ایلام (۱۳۹۴)، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، معاونت آمار و اطلاعات، سازمان برنامه و بودجه کشور.
- سپهر، احمدعلی (مورخ‌الدوله) (۱۳۶۲)، ایران در جنگ بزرگ ۱۹۱۴-۱۹۱۸، تهران: ادیب.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷)، ناسخ‌التواریخ؛ تاریخ قاجاریه، به‌اهتمام جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبر.
- شوشتری، میرعبداللطیف‌خان (۱۳۶۳)، تحفة‌العالم و ذیل‌التحفة، به‌اهتمام صمد موحد، تهران: کتاب‌خانه طهوری.
- شیخ‌الاسلامی، جواد (۱۳۷۷)، اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ج ۳، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- صفائی، ابراهیم (۱۳۵۲)، گزارش‌های سیاسی میرزا محمودخان علاء‌الملک طباطبایی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- صفائی، ابراهیم (۲۵۳۵)، اسناد برگزیده دوران قاجاریه، تهران: بابک.

تحولات مرزی سرحد پشت کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۳۹

ظل السلطان، مسعود میرزا (۱۳۶۸)، *خاطرات ظل السلطان؛ سرگذشت مسعودی*، به اهتمام و تصحیح حسین خدیوچم، ج ۲، تهران: اساطیر.

عباسی، محمدرضا (۱۳۷۲)، *حکومت سایه‌ها؛ اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار*، به کوشش محمدرضا عباسی، تهران: سازمان اسناد ملی.

الفیلی، نجم سلمان مهدی (۲۰۰۹)، *الفیلیون: تاریخ، قبائل و انساب، فلکلور، تراث قومی*، اربیل: دارناراس للطباعة و النشر.

کرزن، جورج ناتانیل (۱۳۷۳)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه ع. وحید مازندرانی، ج ۱ و ۲، تهران: علمی و فرهنگی.

کیمام (کتابخانه، موزه، و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی)، سند ۱۴/۵۱/۳۳/۱/۸۵؛ ۱۵/۱۰۴/۱۷/۱۲/۷.

کوهستانی نژاد، مسعود (۱۳۸۳)، «روابط ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم (از ابتدا تا شناسایی عراق توسط ایران ۱۳۰۷ ش / ۱۹۲۹ م)»، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، پیاپی ۱۹. *گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجاریه (۱۳۶۹)*، ج ۲، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

لایارد، سر اوستن هنری (۱۳۶۷)، *سفرنامه لایارد یا ماجراهای اولیه در ایران*، ترجمه مهتاب امیری، تهران: وحید.

لسترنج، گای (۱۳۷۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.

مئما (مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران)، *عصر ناصرالدین‌شاه؛ تهاجم قوای عثمانی به ایران*، سند ۶۴۴۸۷ ق؛ ۶۴۴۸۸ ق.

<<http://www.iichs.ir>>

مجدد، محمدقلی (۱۳۸۹)، *از قاجار به پهلوی ۱۲۹۸-۱۳۰۹ ش / ۱۹۱۹-۱۹۳۰ م براساس اسناد وزارت خارجه آمریکا*، ترجمه رضا مرزانی و مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

مجمالتوارخ و القصص (۱۳۱۸)، به تصحیح ملک‌الشعرا بهار، بی‌جا: بی‌نا.

مجیدزاده، یوسف (۱۳۷۶)، *تاریخ و تمدن بین‌النهرین (تاریخ سیاسی)*، ج ۱، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

محمدزاده، عباس (۱۳۸۹)، *قیام ایلام در عصر رضاشاه*، ایلام: زانا.

محمد معصوم‌بن خواجه اصفهانی (۱۳۶۸)، *خلاصه‌السير*، زیر نظر ایرج افشار، تهران: علمی.

مرادی‌مقدم، مراد (۱۳۸۷)، «نقش والیان ایلام در حفظ امنیت و دفاع از مرزهای ایران‌زمین»، فرهنگ ایلام، پیاپی ۲۰ و ۲۱.

مرندی یکانلو، میرزا مجبعلی خان بن محمدتقی (ناظم الملک) (۱۳۹۵)، مجموعه رسائل و لوائح
تحدید حدود ایران و عثمانی ۹۰۷-۱۳۰۹ هجری قمری، به تصحیح و پژوهش نصرالله صالحی،
تهران: طهوری.

مستوفی قزوینی، حمدالله بن ابوبکر (۱۳۶۲)، *نزهة القلوب*، به سعی و اهتمام گای لسترنج، تهران:
دنیای کتاب.

مشیرالدوله، میرزا سیدجعفرخان (۱۳۴۸)، *رسالة تحقیقات سرحدیه*، به اهتمام محمد مشیری، تهران:
بنیاد فرهنگ ایران.

مشیری، محمد (۱۳۴۸)، «یک سند درباره مرزهای ایران»، *بررسی های تاریخی*، س ۴، پیاپی ۲۰ و ۲۱.
مظاهری، خداکرم، ابراهیم یعقوبی، و سیاوش یاری (۱۳۹۸)، «واکاوای قلمرو جغرافیای سیاسی
والیان فیلی پشت کوه»، *فصل نامه فرهنگ ایلام*، دوره ۲۰، پیاپی ۶۴ و ۶۵.

منجم یزدی، ملاجلال الدین محمد (۱۳۶۶)، *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، به کوشش سیف الله
وحیدنیا، تهران: وحید.

منشآت: *مجموعه فرامین و اسناد عهد فتحعلی شاه قاجار*، نسخه خطی، کتابخانه مجلس، 35524IR،
ش بازیابی ۱/ ۱۱۴۸۵.

مهدی نیا، جعفر (۱۳۶۹)، *نخست وزیران ایران: زندگی سیدضیاءالدین طباطبائی*، ج ۴، تهران: پانوس.
میرزاسمیعا، محمدسمیع (۱۳۶۸)، *تذکره الملوک: سازمان اداری حکومت صفوی*، ترجمه مسعود
رجب نیا، به کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: امیرکبیر.

نصیری، محمدرضا (۱۳۷۱)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (قاجاریه)*، ج ۳، تهران: کیهان.

نفیس، سعید (۱۳۳۱)، *تمدن ساسانی*، تهران: دانشگاه تهران.

نوراللهی، علی (۱۳۹۸)، «قوم باستان شناختی نمک در استان ایلام، زاگرس مرکزی»، به کوشش احمد
محیط طباطبایی و شاهین آریامنش، در: *مفاخر میراث فرهنگی ایران ۵؛ فرّ فیروز؛ جشن نامه*
دکتر فیروز باقرزاده، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و انتشارات آریارمنا و
گروه پژوهشی باستان کاوی تیسافرن.

نوراللهی، علی (۱۳۹۹)، «علل ورود و عقب نشینی نیروهای روس در جنگ جهانی اول در پشت کوه
(ایلام)»، *فصل نامه مطالعات ایران شناسی*، پیاپی ۱۹.

نورائی، مرتضی و محمود مهمان نواز (۱۳۹۱)، «بررسی اسنادی کشمکش های والیان پشت کوه
(ایلام) با حکومت عثمانی بر سر معادن نمک (۱۲۵۵-۱۳۴۷ ق / ۱۸۳۸-۱۹۲۸ م)»، *فصل نامه*
گنجینه اسناد، س ۲۲، دفتر ۳.

الهاشمی، طه (۱۹۳۶)، *جغرافیة العراق*، الطبعة الثانية، بغداد: مطبعة المعارف.

تحولات مرزی سرحد پشت کوه در عصر قاجار (علیرضا اسدی و دیگران) ۴۱

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹)، *تاریخ روضه‌الصفای ناصری*، به تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر، ج ۹، قم: کتاب‌فروشی‌های مرکزی، خیام، و پیروز.
هیتس، والتر (۱۳۸۸)، *دنیای گم‌شده عیلام*، ترجمه فیروز فیروزنیا، تهران: علمی و فرهنگی.

Zanjani, H. (2006, November, 15), "Ilām iii: Population", *Encyclopaedia Iranica*, EIr. XII: POŠT-E KUH.

<<https://www.iranicaonline.org/articles/post-e-kuh>>.

<<https://www.loc.gov/resource/g7431fm.gct00207>>.

<<https://www.raremaps.com/gallery/detail/76128/persia-tallis>>.

